

رویکرد مدیریت روستایی و تحولات فضایی سکونتگاههای روستایی. مورد مطالعه: استان سمنان

ناصر شفیعی ثابت^{۱*}، بیژن رحمانی^۲، مهناز رهبری^۳

^۱استادیار گروه جغرافیا، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

^۲دانشیار گروه جغرافیا، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

^۳دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

تاریخ دریافت: ۹۷/۲/۷؛ تاریخ پذیرش: ۹۷/۱۰/۲۶

چکیده

رویکرد مدیریت روستایی و نقش آن در توانمندسازی بیشتر ذی‌نفعان محلی و تعاملات یکپارچه ساختاری-کارکردی، یکی از عوامل مؤثر در تحولات فضایی سکونتگاههای روستایی است، لیکن رویکرد مدیریتی از «بالا به پایین» و ساختار مدیریتی برخاسته از تفکرات فن‌محور، موجب «توانمندسازی نامولد» ذی‌نفعان محلی و تعاملات کم و ناهماهنگ ساختاری و کارکردی در فرآیند مدیریت روستایی شده است. نامناسب بودن جایگاه مؤلفه‌های مذکور، باعث چالش‌های فراوان در فراگرد مدیریت روستایی و در پی آن تحولات فضایی سکونتگاههای روستایی استان سمنان شده است. هدف این پژوهش، تحلیل ارتباط بین شاخص‌های روش و احساس توانمندسازی ذی‌نفعان محلی؛ و همچنین شاخص‌های تعاملات یکپارچه ساختاری-کارکردی بر تحولات فضایی سکونتگاههای روستایی از دیدگاه روستاییان و مدیریت محلی است. روش این پژوهش، توصیفی-تحلیلی است و با استفاده از آزمون‌های آماری کندال تاوبی و رگرسیون چندمتغیره در نرم‌افزار SPSS انجام گرفته است. یافته‌های پژوهش نشان داد بین اکثریت شاخص‌های مقوله اثرگذار با تحولات فضایی سکونتگاههای روستایی منطقه مورد مطالعه، از دیدگاه روستاییان و مدیریت محلی، ارتباط معناداری مشاهده نشده است و میان شاخص‌های توانمندسازی و همچنین تعامل یکپارچه ساختاری-کارکردی و تحولات فضایی سکونتگاههای روستایی استان سمنان، از دیدگاه روستاییان و مدیریت محلی، به ترتیب به میزان ۰/۳۹۵ و ۰/۴۲۲ همبستگی وجود دارد؛ همچنین ضریب تعیین تعدیل شده نشان می‌دهد که از دیدگاه روستاییان و مدیریت محلی، به ترتیب، حدود ۳۷/۱ درصد و ۴۱/۵ درصد تحولات فضایی سکونتگاههای روستایی استان سمنان، ناشی از شاخص‌های سنجش شده در منطقه مورد مطالعه، تبیین شده است. به سخن دیگر، کم‌توجهی به تسهیل‌کننده‌های «توانمندسازی مولد» ذی‌نفعان محلی و همچنین عدم تعامل یکپارچه ساختاری-کارکردی در فرآیند مدیریت روستایی، باعث پایین ماندن سطح تحولات فضایی سکونتگاههای روستایی منطقه مورد مطالعه بوده است. از این رو، اصلاح رویکرد فعلی مدیریت روستایی و گذار به مدیریت اجتماع‌محور و اتخاذ رویکرد مدیریت غیرمتمرکز و چندسطحی از پیشنهادهای کاربردی در این زمینه است.

واژه‌های کلیدی: مدیریت روستایی، توانمندسازی، تعاملات یکپارچه، تحولات فضایی، استان سمنان

مقدمه

به دنبال بروز چالش‌های زیست محیطی و نابرابری‌های اجتماعی- اقتصادی در اغلب کشورهای جهان که متأثر از غلبه سیاست‌ها و رویکرد مدیریت توسعه از «بالا به پایین»^۱ و «متخصص محور»^۲ تا سال ۱۹۷۰ میلادی بوده؛ زمینه برای توجه و تغییر رویکرد به توسعه از «پایین به بالا»^۳ و «اجتماع محور»^۴ از دهه ۱۹۸۰ میلادی براساس «نظریه ارتباطی - مشارکتی»^۵ «هابرماس» در راستای تعادل و توازن سازمان فضایی سکونتگاههای روستایی و توسعه پایدار آنها فراهم شد (Healey, 2000; Waas, 2000; 5514-5515: et al, 2014). در این نظریه، با اصالت دادن به اجتماعات محلی از طریق توانمندسازی آنها، قدرت و ثبات تمامی بازیگران و ذی‌نفعان درگیر در فرآیند مدیریت به ویژه جوامع محلی به رسمیت شناخته می‌شود و امکان مشارکت فعال و گسترده روستاییان در کنار مدیران و کارشناسان به‌عنوان یکی از مهم ترین حوزه‌های مداخله‌کننده در فرآیند مدیریت فضای روستایی فراهم می‌گردد (Assche et al, 2014: 2387-2389). به طوری که برای هموارسازی زمینه گذار از رویکرد «حکومت محور»^۶ به «اجتماع محور»، بر روی آموزش‌های نوین، ارتقاء دانش و مهارت، مشارکت، مسئولیت‌پذیری، نهادگرایی و شکل‌سازی و غیره تاکید می‌شود؛ که این خود می‌تواند به احساس شایستگی، مؤثر بودن، خودتعیین بودن و ارتقاء اعتماد به نفس در جامعه روستایی منجر شود (Rios et al, 2007: 117; Rossberger & Krause, 2014: 25; Ragasa et al, 2016: 831). از آنجایی که رویکرد نوین در ارتباط با رفتار مدیریتی در مناطق روستایی، در ارتقاء توانمندی‌های افراد و نهادها، توانسته است به درستی عمل کند، از این رو، تحولات فضایی مناطق روستایی

در ابعاد مختلف محیطی - اکولوژیک، اجتماعی، اقتصادی و کالبدی را به همراه خواهد داشت؛ همچنین، الگوهای نظام مدیریت روستایی برگرفته از این رویکرد، دارای یکپارچگی در سطوح مدیریتی، عملکردی، ساختاری، بخشی، یکپارچگی منافع گروهها و «ذی‌نفعان محلی»^۷ در زمینه منابع مالی و غیر مالی در روستا و در ارتباط با شهر می‌باشد (Chakrabarty, 2001, 210). یکپارچگی در سطوح ساختاری و کارکردی مدیریت روستایی در عمل، یکپارچگی محیطی - اکولوژیک، اجتماعی، اقتصادی و کالبدی - فضایی و در نهایت دستیابی به تحولات فضایی سکونتگاههای روستایی را به دنبال دارد (Douglass, 1998: 3; Mackinnon, 2002: 310). آنچه که در نظام مدیریت فضایی مناطق روستایی کشورهای در حال توسعه قابل مشاهده است؛ توانمندسازی نامولد جامعه محلی به عنوان یکی از حوزه‌های مداخله مدیریتی (Kumar Dab, 2013: 32; Simard et al, 2017: 3) و همچنین تعاملات ضعیف ساختاری- کارکردی در درون روستا و در ارتباط با شهر و به طور کلی کم‌توجهی به مدیریت یکپارچه و همزمان روستایی - شهری در فرآیند مدیریت توسعه روستایی است (Friedmann, 2004: 52, Douglass, 1998: 3). به گونه‌ای که به نارسایی در توسعه متعادل و متوازن و سرانجام ایجاد تحولات فضایی در سکونتگاههای روستایی منجر شده است. به سخن دیگر، در رویکرد «حکومت محور» به روش‌های توانمندسازی «ذی‌نفعان محلی» و روستایی و نقشی که آنها در فرآیند توسعه دارند، آنچنان که باید توجه نشده و سیاست‌های حمایتی و هدایتی به منظور ارتقاء توانمندی آنها وجود ندارد (Monkman et al, 2007: 454). از طرف دیگر، ساختار مدیریتی در درون ساختار و سازمان فضایی، دچار از هم گسیختگی و فاقد تعاملات یکپارچه در بین حوزه‌های مدیریت شهری و روستایی است. وجود الگوهای غیر یکپارچه و بخشی نظام اداره روستا، موجب ایجاد تفرق و چندگانگی در ماهیت سیستم مدیریت روستایی شده

1. Up - down
2. Expert-oriented
3. Down - up
4. Community-based
5. Communicative-participatory theory
6. State- led approach

-شاخص‌های توانمندسازی ذی‌نفعان محلی در رویکرد مدیریت روستایی فعلی، تا چه اندازه منجر به تحولات فضایی سکونتگاه‌های روستایی در منطقه مورد مطالعه شده است؟

-شاخص‌های تعاملات یکپارچه ساختاری-کارکردی در رویکرد مدیریت روستایی فعلی، تا چه اندازه منجر به تحولات فضایی سکونتگاه‌های روستایی در منطقه مورد مطالعه شده است؟

مبانی نظری

تحقق اهداف توسعه روستایی همان‌طور که به اتخاذ رویکردهای مناسب توسعه اقتصادی، اجتماعی و کالبدی متکی است، نیازمند استفاده از رویکردی سازگار و مؤثر در فرآیند مدیریت توسعه است (Vikas, 2002: 319). تاکنون دو رویکرد «عقلایی فن محور»^۱ و مبتنی بر دانش فنی مدیران و برنامه‌ریزان و «رویکرد ارتباطی - مشارکتی» درباره چارچوب و فرآیند مدیریت توسعه مطرح بوده‌اند که در اغلب کشورهای در حال توسعه (همچون نظام مدیریت روستایی ایران)، استفاده از رویکرد عقلایی‌گرایی فن‌محور در فرآیند مذکور غلبه داشته است و رویکرد مدیریت نوین و «ارتباطی - مشارکتی» که از اواخر قرن بیستم در ادبیات برنامه‌ریزی و مدیریت جهان مورد توجه قرار گرفته، هنوز کاربرد چندانی پیدا نکرده است (Healey, 2000; Waas et al, 2014: 5514-5519، سجاسی و حاجیان، ۱۳۹۷: ۱۹۱). به دنبال بروز ناکامی‌های اجتماعی - اقتصادی و محیط زیستی حاصل از به‌کارگیری این رویکرد (عقلایی فن‌محور) در نظام برنامه‌ریزی توسعه و مدیریت اینگونه کشورها، بازنگری در پارادایم‌ها و راهبردهای توسعه و فاصله گرفتن از نظریه‌های اثباتی و عقلایی‌گرایی و جهت‌گیری به سوی رویکرد «ارتباطی و مشارکتی» در برنامه‌های توسعه کلان و نظام مدیریت روستایی و شهری در سطوح ملی و منطقه‌ای آن‌ها آغاز شد (حسام و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۰۰، Gielen &

است. این تفرق و چندپارگی در زمینه‌های مختلف نظری، بین‌سازمانی، درون‌سازمانی، عملکردی، ساختاری، سیاست‌گذاری، اداری، مالی و غیره مطرح است (Chakrabarty, 2001: 210; McGill, 2001: 64). در واقع این جدایی‌گزینی و عدم یکپارچگی بین سطوح ساختاری و عملکردی نظام اداره روستا، باعث شده که دستیابی به تحولات فضایی در ابعاد محیطی-اکولوژیک، اجتماعی، اقتصادی و کالبدی با چالش جدی مواجه شود.

در منطقه مورد مطالعه نیز، فرآیند مدیریت توسعه روستایی در سکونتگاه‌های روستایی حاشیه بیابانی و کویری در استان سمنان، به دلیل حاکم بودن رویکرد توسعه از «بالا به پایین» و متمرکز، به گونه‌ای بوده است که به روش‌های توانمندسازی مدیریت محلی، اعم از روستاییان و دهیاران و اعضای شورای اسلامی، به مثابه یکی از مهم‌ترین حوزه‌های دخیل در مدیریت روستایی، کم توجهی شده است. بدین ترتیب، نوعی آشفتگی در ساختار مدیریتی، در درون روستاها و در ارتباط با شهر و عدم یکپارچگی در مدیریت شهری و روستایی مشاهده می‌شود؛ بنابراین، ایجاد می‌کند تا شناخت دقیق‌تری نسبت به روش‌های توانمندسازی و در پی آن، شکل‌گیری احساس توانمندی در اجتماعات محلی و همچنین ایجاد یکپارچگی در مدیریت شهری و روستایی حاصل گردد. از آنجایی که رویکرد حاکم بر مدیریت توسعه روستایی در ایران بر مبنای عقلایی‌گرایی فن محور استوار است؛ به لحاظ شاخص‌های روش توانمندسازی «ذی‌نفعان محلی» و روستایی و همچنین تعاملات یکپارچه ساختاری-کارکردی در فرآیند مدیریت روستایی، دچار چالش‌های جدی است. از این رو، ضرورت دارد چالش‌ها و فرصت‌های روش‌های توانمندسازی مدیریت محلی و روستاییان در فراگرد مدیریت روستایی در منطقه مورد مطالعه مورد واکاوی قرار گیرد. به منظور تبیین دقیق چالش‌ها و فرصت‌های نظام مدیریت روستایی در منطقه مورد مطالعه و ایجاد تحولات فضایی مثبت در سکونتگاه‌های روستایی آن، این پژوهش به دنبال پاسخگویی به پرسش‌های زیر است.

Fernandez & Moldogaziev, 2015:) اعتماد است (382-380). توانمندسازی بسته به ساختار قدرت می‌تواند به صورت «مولد» (مشارکت فعالانه) و یا «تامولد» (مشارکت منفعلانه) بروز نماید، به طوری که نابرابری در توزیع قدرت، سبب بی‌تعادلی در اظهار نظر و عقاید حوزه‌های مداخله در فرآیند مدیریتی به ویژه سکونتگاه‌های روستایی می‌شود (احمدی و چراغی، ۱۳۹۶: ۳۴). به طوری که تغییر در ساختار قدرت به منظور توانمندسازی همه‌جانبه «ذی‌نفعان محلی» می‌تواند خوداتکایی آن‌ها را برای مدیریت محلی تضمین کند (Giampiccoli & Mtapuri, 2012: 6) و در نتیجه در رفتار روستاییان در ارتباط با تحولات فضایی سکونتگاه‌شان اثرگذار باشد. در این راستا، در مدیریت نوین روستایی تمرکز بر روش‌های توانمندسازی به منظور افزایش تمایل روستاییان برای مشارکت در فرآیند توسعه پایدار، تعادل و توازن در سازمان فضایی روستایی است (حیدری و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۶، شیخی و همکاران، ۱۳۹۲: ۲۲، Waligo et al., 2013: 344).

TasanKok, 2010: 1101). در نظریات نوین مدیریت روستایی، اندیشه مدیریتی بر اساس مکانیسم‌های توانمندسازی «ذی‌نفعان محلی» و حوزه‌های مداخله‌کننده در فرآیند مدیریت روستایی، ایجاد خودباروری و خوداعتمادی در بین جوامع و نهادهای محلی، ابتکار، نوآوری و شایستگی، اعتماد به نفس، انسجام، ایجاد فضای توانمندی و قدرت اعضا و جوامع محلی برای بحث در خصوص موانع و توانایی شبکه‌های ارتباطی و توسعه نهادی، ساماندهی می‌شود (Chen et al, 2016: 2; Bottrell, 2009: 327). همکاران، ۱۳۹۳: ۱۵۵، شریف زاده و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۰۸) در ادبیات توسعه، مفهوم توانمندسازی به منظور مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی - اقتصادی از دو جنبه و رویکرد بررسی شده است: الف) رویکرد انگیزشی توانمندسازی، در این رویکرد، هدف تواناسازی و تقویت خودباوری می‌باشد. ب) رویکرد شناختی توانمندسازی، این رویکرد، توانمندسازی را به طور وسیع‌تر به مثابه یک حالت انگیزش درونی در ارتباط با شغل تعریف می‌کند که شامل چهار احساس درونی معنی‌دار بودن، شایستگی، تأثیر، خودتعیینی و

جدول ۱: فرآیند توانمندسازی ذینفعان محلی

نوع قدرت	تمرکز اولیه	توصیف فرایند توانمندسازی ^۱
قدرت بر	تسلط	افزایش توانایی برای کنترل دیگران (مثلاً، از طریق اجبار آشکار و پنهان)، ممکن است منجر به تحریک مقاومت، خرابکاری یا ... شود. نامولد ^۲
قدرت به ^۳	عاملیت	افزایش توانایی فرد برای عمل طبق خواسته، مرتبط با کاهش فقر از طریق افزایش آزادی در سطح فردی (سن، ۲۰۰۰). ایجاد یا گشودن فرصت‌هایی بدون تسلط؛ وابسته به اجتماع و مولد
قدرت با ^۴	مشارکت	افزایش توانایی برای برآورده‌سازی جمعی نیازها یا منافع فردی و گروهی، نشان می‌دهد که کل، بزرگتر از مجموع افرادی است که آن را تشکیل می‌دهد، مولد
قدرت در ^۵	خودآگاهی	افزایش خودآگاهی، خوداتکایی، احترام و ...، مشابه با توانمندسازی روانی فریدمن (۱۹۹۲)، مولد

ماخذ: (Knight & Cottrell, 2016: 36)

۱. این فرایندها متأثر از عوامل تحول فردی (متابولیسم، پیشینه فردی، سلامت، توانایی خواندن و ...)، عوامل تحول اجتماعی-سیاسی (هنجارهای اجتماعی، سیاست‌های تورسم، سلسله مراتب سیاسی و ...) و عوامل تحول محیطی (جغرافیا، آب و هوا و ...) است
 ۲. توانمندسازی نامولد، ممکن است به عنوان یک بازی جمع غیرسفر توصیف شود (مثلاً توانمندسازی فرد شامل خلع قدرت دیگری است)

3. Power to
4. Power with
5. Power in

مختلف نظری، بین‌سازمانی، درون‌سازمانی، عملکردی، ساختاری، سیاستگذاری، اداری، مالی و غیره مطرح است (Christensen & Laegreid, 2008: 99). در واقع، جدایی‌گزینی حوزه‌های مختلف نظام اداره روستا و بی‌توجهی به تعاملات و پیوندهای بین شهر و روستا باعث شده است که دستیابی به اهداف توسعه ناممکن شود (Douglass, 1998: 3). به دنبال مسائل و انتقادات مطرح شده، اندیشه مدیریت یکپارچه روستایی - شهری با تأکید بر اصل یکپارچه‌سازی تعاملات ساختاری و عملکردی در درون روستا و در ارتباط با شهر، مطرح می‌شود. در این مدیریت، عناصر روستایی که در برگیرنده عناصر حاکمیتی (دولتی، عمومی، مردمی و خصوصی) عناصر فضایی و عناصر عملکردی هستند، به صورت همگرا، قانونمند، یکپارچه با استفاده از ابزارهای سازمانی، مشارکتی در کنار هم فرآیند تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری را شکل می‌دهند (Sietchiping et al, 2015: 222). در چارچوب این نظام، یکپارچگی یا هماهنگی چندبخشی فعالیت‌های روستایی و شهری در سطح محلی و منطقه‌ای مورد نظر است (Douglass, 1998: 46). به طور کلی می‌توان یکپارچگی در فرآیند مدیریت روستایی را در سطوح زیر خلاصه کرد:

۱. یکپارچگی عملکردی: که در واقع اشاره به مدیریت یکپارچه و هماهنگ عملکردهای اصلی روستا دارد؛
۲. یکپارچگی و هماهنگی لایه‌های مدیریتی: که در واقع اشاره به هماهنگی در سیاست‌گذاری‌ها، برنامه‌ریزی‌ها و اجرای آن‌ها دارد؛
۳. یکپارچگی و هماهنگی قلمرویی (فضایی): که اشاره به مدیریت یکپارچه فضای روستایی و پیوند بین سطوح مختلف سیاست‌ها از سطح ملی تا منطقه‌ای و کلانشهری تا محلی دارد (علیخان گرگان، ۱۳۹۲: ۳۳)؛
۴. یکپارچگی و هماهنگی سیاستی: که اشاره به هماهنگی در سیاست‌گذاری‌ها و اتخاذ رویه‌های جدید سازمان‌ها برای تصمیم‌گیری و همچنین بهره‌جستن از قواعد تصمیم‌گیری‌های موجود برای برخورد جمعی با محیط وظیفه‌ای مشترک دارد که البته یکپارچگی سیاستی مستلزم

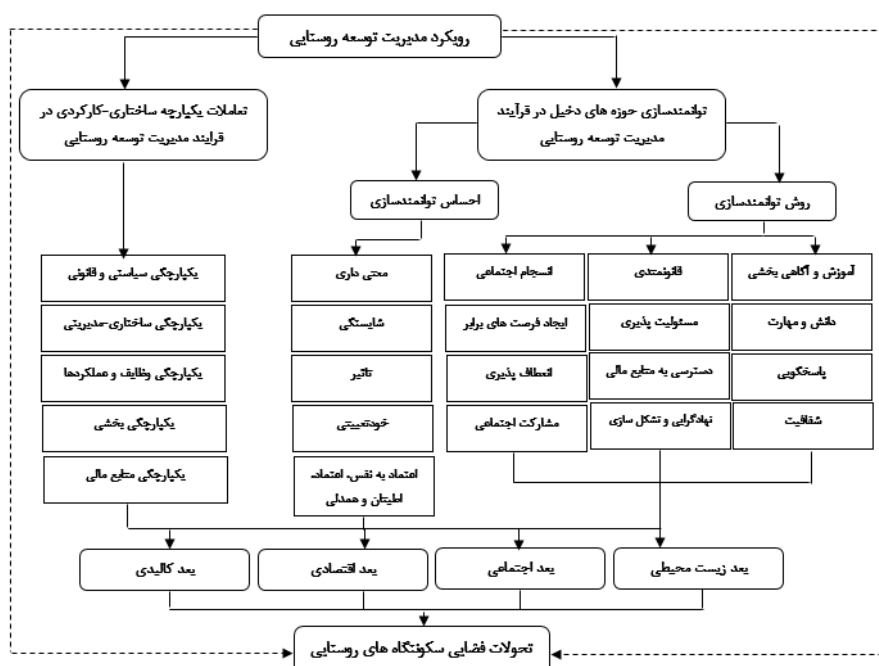
این در حالی است که در رویکرد مدیریت روستایی «حکومت‌محور»، به دلیل مدیریت متمرکز و برنامه‌ریزی، و اجرای طرح‌ها از بالا؛ توانمندسازی «ذینفعان محلی»، حالت «قدرت‌بر» بوده که در آن تسلط از طرف بیرونی‌ها صورت می‌پذیرفت. به طوری که کانون‌های روستایی تنها برنامه‌های از قبل مشخص شده را عملیاتی می‌کردند (Gielen & TasanKok, 2010: 1101). ولی با مطرح شدن رویکرد «ارتباطی و تعاملی» در فرآیند مدیریت روستایی از طریق روش‌های تسهیل‌کننده توانمندسازی به صورت مولد، مطرح شده که بر مشارکت و خوداتکایی روستاییان تأکید دارد (Ibid: 1100-1102). فال‌سلیمان و همکاران، (۱۳۹۱: ۸۰). این نوع مدیریت از طریق توجه به مقوله آموزش و آگاهی بخشی، ارتقاء دانش و مهارت، ایجاد تشکل‌ها، ارتقاء انسجام اجتماعی، مسئولیت‌پذیری و غیره برای تقویت «ذینفعان» و جامعه محلی به مثابه یکی از جلوه‌های مهم تغییر و تحول (گذار) از حالت «توانمندسازی نامولد»^۱ به «توانمندسازی مولد»^۲ برای مشارکت ذینفعان محلی در فراگرد مدیریت روستایی و در نتیجه تحول در ابعاد چهارگانه فضای روستایی مقوله ضروری قلمداد شده است (Knight & Cottrell, 2016: 33-39). (جدول ۱).

در رویکرد جدید مدیریتی، اتخاذ رویکرد شبکه‌ای مشروط بر استقرار نظام مدیریت غیرمتمرکز و چندسطحی و یکپارچگی و هماهنگی چندبخشی فعالیت‌های روستایی و شهری در سطح محلی و منطقه‌ای مورد نظر است (پور محمدی و طورانی، ۱۳۹۵: ۸۲؛ Camagni, 2017: 393). آن‌چه در رویکردهای نظام مدیریت روستایی در کشورهای در حال توسعه به وجهی غالب مورد تأکید و پیگیری است؛ اساساً بر نگرشی مجرد و تفکیک شده استوار است (Douglass, 1998: 3). وجود الگوهای غیریکپارچه و بخشی نظام اداره روستا، موجب ایجاد تفرق و چندگانگی در ماهیت نظام مدیریت روستایی شده است. این تفرق و چندپارگی در زمینه‌های

1. Power over
2. Unproductive empowerment
3. Productive empowerment

مدیران اجرایی و همچنین نگرش یکپارچه و سیستمی به تعاملات ساختاری و کارکردی در فرآیند مدیریت روستایی بیشتر باشد؛ تصمیم‌ها برای توسعه روستاها، سازگاری، پذیرش و اثربخشی بیشتری خواهد داشت و این امر بستگی به رویکرد و نظریه اتخاذ شده در روش و مراحل انجام برنامه‌ریزی دارد (Cheung & Chan, 2010: 206، بهزادنسب، ۱۳۸۹: ۶۴). با توجه به مباحث مطرح شده می‌توان گفت رویکرد نوین مدیریت روستایی به تمامی وجوه روستایی (زیست محیطی، اجتماعی، اقتصادی و کالبدی-فضایی) با تأکید بر جنبه‌های توانمندسازی و فنون برنامه‌ریزی شده مبتنی بر گنش‌ها و تصمیمات جمعی و همچنین ایجاد تعاملات یکپارچه ساختاری-کارکردی مدیریت شهری و روستایی امعان نظر داشته، به تقویت بنیان‌های آن در فضاهای روستایی می‌اندیشد و زمینه را برای تحولات فضایی سکونتگاه‌های روستایی فراهم می‌سازد (شکل ۱: مدل مفهومی تحقیق).

تعامل، قابلیت دسترسی و قابلیت سازگاری بیشتری است که به وابستگی متقابل بیشتر می‌انجامد و نیاز به ترتیبات رسمی‌تر دارد؛ ۵. یکپارچگی و هماهنگی-بخشی: اشاره به یکپارچه شدن اهداف و منابع بخش-های مختلف اقتصادی با یکدیگر در درون روستا و در ارتباط با شهر و همچنین اهداف و منابع بخش‌های عمومی و نیز خصوصی و داوطلبانه دارد (Zasada et al, 2017: 4)؛ ۶. یکپارچگی و هماهنگی ساختاری و مدیریتی: در واقع اشاره به شکل‌گیری ساختارهای سازمانی و نهادی یکپارچه و همچنین چگونگی روابط و تعاملات بین سازمانی و درون سازمانی در فرآیند مدیریت روستایی دارد (Elmenofi et al, 2014: 288). بر این شالوده، درجه مطلوبیت، مقبولیت، تناسب و سازگاری مدیریت روستایی، ارتباط نزدیکی با روش و رویکرد حاکم بر چگونگی انجام عمل مدیریت دارد. هر چه میزان درک متقابل و همراهی کُنشگران اصلی، یعنی مردم محلی، برنامه‌ریزان، سیاست‌گذاران و



شکل ۱: مدل مفهومی پژوهش (مأخذ: براساس واکاوی ادبیات و پیشینه موضوع، ۱۳۹۶)

پیشینه پژوهش

در ارتباط با موضوع این پژوهش، مطالعات متعددی در کشورهای مختلف صورت گرفته است. هریک از این پژوهش‌ها اثرات شیوه مدیریت روستایی را در ارتباط با روند توسعه روستاها بررسی کرده‌اند؛ از این رو، بررسی این پژوهش‌ها از یک سو، به مسئله‌شناسی، مسئله‌یابی و متدولوژی این پژوهش مدد رسانده؛ و از سوی دیگر، زمینه را برای مقایسه نتایج پژوهش‌های پیشین با این پژوهش فراهم ساخته است.

یافته‌ها در ارتباط با رویکرد مدیریت روستایی، نشان داده است: عدم ارتباط و تعاملات بین سطوح مختلف مدیریتی اعم از سطوح مرکزی، ناحیه‌ای و محلی و به عبارتی عدم تعاملات یکپارچه ساختاری-کارکردی، منجر به عدم توسعه متوازن و متعادل در نقاط روستایی شده است (Dhungel & Tips, 1987). از این رو، توسعه روستایی یکپارچه، از طریق ایجاد تعاملات یکپارچه در درون و بیرون ساختار مدیریتی، دولت را مولد و باعث تحول راهبردها و سیاست‌ها در فرآیند برنامه‌ریزی و مدیریت، می‌داند (Shucksmith, 2010). از سویی دیگر، در فرآیند مدیریت روستایی، بر پیوند و هم‌افزایی و ارتباط بیشتر دو بخش دولت و ذی‌نفعان محلی و اتخاذ رویکرد ارتباطی (افتخاری و بهزادنسب، ۱۳۸۳) تأکید شده است و توسعه ایجاد شده در نقاط روستایی را، مرهون پیاده‌سازی این الگو دانسته است (Jin Eom, 2011). در همین ارتباط، بر درک متقابل و همراهی هر چه بیشتر کنشگران اصلی در برنامه‌ریزی و مدیریت توسعه روستایی، یعنی مردم محلی، برنامه‌ریزان، سیاست‌گذاران و مدیران اجرایی، تأکید شده است (بهزادنسب، ۱۳۸۹)؛ همچنین در ارتباط با خلاء جایگاه روش‌های توانمندسازی ذی‌نفعان محلی در فرآیند مدیریت روستایی، به عوامل و روش‌های توانمندسازی و مهارتی افراد، دانش، نوع نگرش، آموزش، خود مدیریتی، نهادگرایی، اعتماد به نفس، خودمختاری، خودتعیینی، معنی‌داری، شایستگی، خودسازماندهی و استفاده از یک پارادایم جدید تأکید

شده است (Kumanini, 1993). سیاست‌های دولتی در ارتباط با ایجاد بسترهای لازم در جهت دستیابی به توسعه پایدار روستایی از جمله سرمایه‌گذاری‌های دولتی در بُعد تأمین منابع مالی، بُعد آموزشی و ایجاد فرصت‌های برابر و مشارکت همه بازیگران در عرصه توسعه در سطوح ملی، ناحیه‌ای و محلی و به ویژه مشارکت مستقیم مردم در تولیدات کشاورزی، از دیگر مؤلفه‌های مورد تأکید در ارتباط با توانمندسازی ذی‌نفعان محلی در فرآیند مدیریت روستایی، عنوان شده است (Ristic, 2013). علاوه بر موارد مطرح شده، ارتقاء مشارکت و مسئولیت‌پذیری در فرآیند مدیریت روستایی در بین ذی‌نفعان محلی، موجب بهبود حکومت‌داری محلی دموکراتیک و در نتیجه، منجر به تحولات فضایی مثبت در نقاط روستایی شده است. فرمول حکومت‌داری محلی دموکراتیک، برای اعمال در برنامه‌ریزی و مدیریت، شامل مشارکت و مسئولیت‌پذیری و در کنار آن‌ها توانمندسازی، شفافیت، قانونمندی، ایجاد فرصت‌های برابر، کاهش فقر و پاسخگویی به افکار عمومی است (Harry Blair, 2000)؛ بنابراین، بهترین راه مقابله با فرآیند مدیریت روستایی متمرکز، توانمندسازی و ظرفیت‌سازی و همچنین آموزش افراد و نهادها و ایجاد کمپین و اجتماعات مردمی، عنوان شده است (Isaac & Harilal, 1997). به عبارتی، با توانمندسازی بیشتر ذی‌نفعان محلی و مشارکت آن‌ها در نظام برنامه‌ریزی و مدیریت، می‌توان به رشد جامعه مدنی و همچنین مدیریت اجتماع محور کمک کرد (Kam NG, 2008). مدیریت محلی در قالب مشارکت مردمی می‌تواند جایگزین مناسبی در غیاب دولت مرکزی باشد. در این ارتباط سطح پایین رضایتمندی اجتماعی سازمان‌های توسعه‌ای مبتنی بر جامعه محلی و ضعف ساختار مدیریت محلی می‌تواند موانع عمده‌ای در جهت مقابله با به حاشیه رانده شدن مناطق روستایی باشد (Reesor, 2010). از این رو، بر لزوم توجه به سازوکارهای نهادی از جمله بازنگری در اندیشه‌ها، شیوه‌های برنامه‌ریزی، قوانین، رویه‌ها، سبک‌ها و شیوه مدیریت و حکمرانی و تأکید بر ایجاد و تقویت نهادهای

به تعارض و اختلاف بین دولت و مدیریت محلی و در پی آن عدم دستیابی به تحولات فضایی مثبت در سکونتگاه‌های روستایی می‌شود (Bannon, 2004). با توجه به پیشینه تحقیق و همچنین واکاوی ادبیات موضوع، شاخص‌های مورد تأکید محققان مختلف در ارتباط با رویکرد و شیوه مدیریت روستایی و همچنین تحولات فضایی سکونتگاه‌های روستایی به‌طور خلاصه در قالب جداول (۲ و ۳) آورده شده است:

بومی، محلی و مدنی از طریق خوشه‌ای و شبکه‌ای کردن آن‌ها (بدری، ۱۳۹۰) و همچنین بهبود و ارتقاء سیستم مدیریتی سازمان‌ها و نهادهای درگیر در امر توسعه روستایی در سطح محلی، از طریق اجرای روش‌های مشارکتی تأکید شده است (Lockett et al, 2001). به گونه‌ای که انتقال قدرت از حکومت مرکزی به نهادهای مدیریتی در سطح محلی، انجام گیرد و جایگاه قدرت و اختیار عمل ذینفعان در عرصه مدیریت محلی حفظ گردد، در غیر این صورت، منجر

جدول ۲: شاخص‌های توانمندسازی ذی‌نفعان محلی و تعامل یکپارچه ساختاری-کارکردی در فرآیند مدیریت روستایی

شاخص (مقوله اثرگذار)	محققان
آموزش و آگاهی‌بخشی	کومانینی ^۱ (۱۹۹۳)، ایساک و هاریلال ^۲ (۱۹۹۷)، متیو ^۳ (۲۰۰۶)، ریستیک ^۴ (۲۰۱۳)
دانش و مهارت	کومانینی (۱۹۹۳)، متیو (۲۰۰۶)
انسجام اجتماعی	سنگر ^۵ (۲۰۰۵)
تشکل‌سازی و توسعه نهادی	هانادل و هانه ^۶ (۱۹۸۲)، ایساک و هاریلال (۱۹۹۷)، رسور ^۷ (۲۰۱۰)
ایجاد فرصت‌های برابر	هاری بلایر ^۸ (۲۰۰۰)، ریستیک (۲۰۱۳)
مسئولیت‌پذیری	هاری بلایر (۲۰۰۰)، بانون ^۹ (۲۰۰۴)، ریست و همکاران ^{۱۰} (۲۰۰۷).
شفافیت	بانون (۲۰۰۴)، ریست و همکاران (۲۰۰۷)، رسور (۲۰۱۰)، کومارداب ^{۱۱} (۲۰۱۳).
پاسخگویی	هاری بلایر (۲۰۰۰)، بانون (۲۰۰۴)، ریست و همکاران (۲۰۰۷)، رسور (۲۰۱۰).
قانونمندی	بانون (۲۰۰۴)، ریست و همکاران (۲۰۰۷)، رسور (۲۰۱۰)، کومارداب (۲۰۱۳).
دسترسی به منابع مالی پایدار	خلیل و عادل ابو ^{۱۲} (۲۰۱۲)
انعطاف‌پذیری و تفویض اختیار	بانون (۲۰۰۴)، هال ^{۱۳} (۲۰۱۰)
مشارکت	هال (۲۰۱۰)، رسور (۲۰۱۰)، ریستیک (۲۰۱۳)، ولبروک و همکاران ^{۱۴} (۲۰۱۳)، اوندریک ^{۱۵} (۲۰۱۴)
شایستگی	کومانینی (۱۹۹۳)، بانون (۲۰۰۴)، ریست و همکاران (۲۰۰۷).
معنی‌داری	کومانینی (۱۹۹۳)، متیو (۲۰۰۶)
خودتعیینی	کومانینی (۱۹۹۳)، سنگر (۲۰۰۵)، کومارداب (۲۰۱۳)
تأثیر	رسور (۲۰۱۰)، کومارداب (۲۰۱۳)، ولبروک و همکاران (۲۰۱۳)

1. Kumanini
2. T M Thomas Isaac & K N Harilal
3. George Matovu
4. Ristic
5. Gsanger
6. Honadle, George.H, Hannah, John.P
7. Reesor
8. Harry Blair
9. O'Bannon, Brett R
10. Rist
11. Kumar Dab
12. Samihah Khalil & Salihu Abdulwaheed Adelabu
13. Kate Hall
14. Wellbrock
15. Ondrik

اعتماد و اطمینان	سنگر (۲۰۰۵)، متیو (۲۰۰۶)
اعتماد به نفس	کومانینی (۱۹۹۳)
تعامل یکپارچه بخشی و بین بخشی	دانگل و تیپس ^۱ (۱۹۸۷)، سنگر (۲۰۰۵)
تعامل یکپارچه ساختاری و مدیریتی	دانگل و تیپس (۱۹۸۷)، شوک اسمیت ^۲ (۲۰۱۰)
تعامل یکپارچه عملکردی و وظایف	ریست و همکاران (۲۰۰۷)، ولبروک و همکاران (۲۰۱۳)
یکپارچگی سیاستها و قوانین	بانون (۲۰۰۴)، ولبروک و همکاران (۲۰۱۳)
یکپارچگی منابع مالی	خلیل و عادل ابو (۲۰۱۲)

ماخذ: واکاوی بر اساس ادبیات و پیشینه موضوع (۱۳۹۶)

جدول ۳: شاخص‌های تحولات فضایی سکونتگاه‌های روستایی

محققان	شاخص (مقوله اثرپذیر)
سازمان ملل متحد (۲۰۰۱)، سازمان همکاری اقتصادی و توسعه (۲۰۰۱)، بانک جهانی (۲۰۰۲)، سازمان خوار و بار جهانی (۲۰۰۵)، خلیفا و کانلی ^۳ (۲۰۰۹)، کازانا و کازاکیلز ^۴ (۲۰۰۹)، سری و جیمز ^۵ (۲۰۰۹)، سروایس و همکاران ^۶ (۲۰۱۲)، خادکا و واسیک ^۷ (۲۰۱۲)، میخالک و زارنکو ^۸ (۲۰۱۲)، لی و همکاران ^۹ (۲۰۱۵)، پودل و همکاران ^{۱۰} (۲۰۱۶)، محمدی حمیدی و سبحانی (۱۳۹۷) و ...	تحولات فضایی سکونتگاه‌های روستایی (ابعاد محیطی - اکولوژیک، اجتماعی، اقتصادی و کالبدی و زیرساختی)

ماخذ: واکاوی بر اساس ادبیات و پیشینه موضوع (۱۳۹۶)

جدول ۴: ضریب پایایی شاخص‌های مقوله توانمندسازی ذینفعان محلی و تعامل یکپارچه ساختاری-کارکردی در فرآیند مدیریت

روستایی

ضریب پایایی	تعداد گویه	شاخص	ابعاد
۰/۷۴۵	۶	آموزش و آگاهی بخشی	روش و احساس توانمندسازی ذینفعان محلی
۰/۷۸۱	۱۰	دانش و مهارت	
۰/۸۰۹	۳	پاسخگویی	
۰/۸۸۶	۵	شفافیت	
۰/۶۹۸	۳	قانونمندی	
۰/۷۱۱	۱	مسئولیت پذیری	
۰/۷۵۸	۱	دسترسی به منابع مالی	
۰/۹۱۰	۲	انعطاف پذیری و تفویض اختیار	
۰/۹۳۶	۵	انسجام اجتماعی	
۰/۹۴۷	۴	نهادگرایی و تشکل سازی	
۰/۸۴۴	۲	ایجاد فرصت‌های برابر	مشارکت
۰/۷۲۱	۴	مشارکت	
۰/۶۶۹	۵	شایستگی	

1. Yadav N. Dhungel and Walter E.J.Tips

2. Shucksmith

3. Marwa A. Khalifa , Stephen Connelly

4. Vassiliki Kazana ,Angelos Kazaklis

5. Andy Scerri and Paul James

6. Servaes

7. Khadka, Chiranjeevee & Vacik, Harald

8. Michalek, Jerzy & Zarnekow, Nana

9. Li

10. Poudel

ابعاد	شاخص	تعداد گویه	ضریب پایایی
	معنی داری	۵	۰/۷۵۵
	خودتعیینی	۵	۰/۷۶۱
	تاثیر	۱	۰/۷۰۳
	اعتماد، اطمینان و همدلی	۴	۰/۸۴۳
	اعتماد به نفس	۳	۰/۸۸۷
تعاملات یکپارچه ساختاری- کارکردی	یکپارچگی سیاستی و قانونی	۴	۰/۷۱۲
	یکپارچگی وظایف و عملکردها	۵	۰/۷۳۶
	یکپارچگی بخشی	۶	۰/۸۷۱
	یکپارچگی ساختاری-مدیریتی	۵	۰/۸۰۶
	یکپارچگی منابع مالی	۳	۰/۷۲۲

ماخذ: براساس واکاوی ادبیات و پیشینه موضوع (۱۳۹۶)

روش پژوهش

این پژوهش، با استفاده از روش توصیفی- تحلیلی و به صورت کمی و میدانی انجام شد. برای تحلیل رویکرد مدیریت روستایی در استان سمنان به لحاظ شاخص‌های توانمندسازی ذی‌نفعان محلی، روستاییان و مدیریت محلی و همچنین تعامل یکپارچه ساختاری-کارکردی در درون بخش‌ها و بین بخش‌ها در نواحی شهری و روستایی، از ۱۳ شاخص روش

توانمندسازی، ۶ شاخص احساس توانمندسازی و ۵ شاخص تعامل یکپارچه ساختاری-کارکردی مطابق جدول ۴ استفاده گردید. سنجش تحولات فضایی سکونتگاه‌های روستایی (مقوله اثرپذیر) نیز از طریق ابعاد محیطی-اکولوژیک، اجتماعی- فرهنگی، اقتصادی و کالبدی زیرساختی صورت گرفت (جدول ۴ و ۵).

جدول ۵: ضریب پایایی شاخص‌های مقوله تحولات فضایی سکونتگاه‌های روستایی

مقوله اثرپذیر	شاخص	تعداد گویه	ضریب پایایی
	بُعد محیطی- اکولوژیک	بهبود منابع سرزمین	۰/۶۵۸
		مخاطرات محیطی	۰/۷۱۵
		بهبود بهداشت محیط	۰/۷۸۹
تحولات فضایی سکونتگاه‌های روستایی	بُعد اجتماعی	بهبود مراقبت‌های اجتماعی	۰/۷۰۶
		بهبود کیفیت زندگی	۰/۸۲۱
		عدالت و برابری	۰/۷۹۶
		بهبود مشارکت	۰/۸۴۷
		بهبود زیرساخت نهادی	۰/۸۱۱
بعد اقتصادی		بهبود اشتغال و درآمد	۰/۸۰۱
		عدالت و رفاه اقتصادی	۰/۷۲۵
		ثبات اقتصادی	۰/۶۹۴
		بهبود زیرساخت اقتصادی	۰/۶۷۸
بعد کالبدی و زیرساختی		بهبود مسکن روستایی	۰/۷۱۴
		بهبود دسترسی به خدمات	۰/۷۹۱

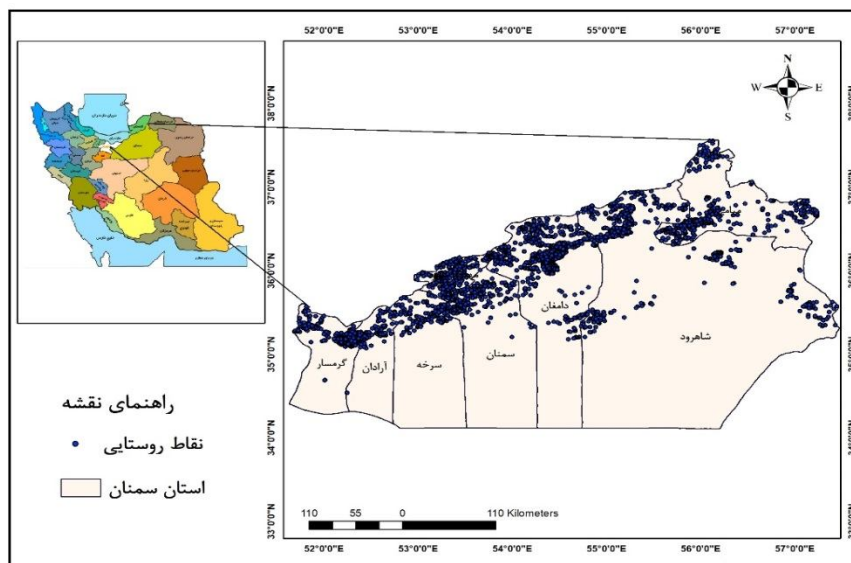
ماخذ: براساس واکاوی ادبیات و پیشینه موضوع (۱۳۹۶)

پرسش‌نامه، چند تن از صاحب‌نظران دانشگاهی در حوزه برنامه‌ریزی روستایی، کارشناسان بنیاد مسکن، جهادکشاورزی و استانداری سمنان، با بررسی پرسش‌ها و گویه‌های پرسش‌نامه، نظرات اصلاحی خود را اعلام کردند؛ همچنین، به منظور سنجش پایایی پرسش‌نامه از روش آلفای کرونباخ استفاده گردید که میزان آلفای کرونباخ به دست آمده برابر ۰/۷۹۹ حاصل شد. تجزیه و تحلیل شاخص‌های اثرگذار و اثرپذیر پژوهش از طریق سنجه پیوند تالابی کندال و در نهایت از آزمون رگرسیون چندمتغیره انجام شد.

قلمرو جغرافیایی پژوهش

استان سمنان در دامنه سلسله جبال البرز واقع است و ارتفاع آن از شمال به جنوب کاسته شده و به دشت کویر ختم می‌شود. بر اساس آخرین تقسیمات کشوری در سال ۱۳۹۵، استان سمنان دارای ۸ شهرستان ۱۵ بخش، ۲۰ شهر و ۳۱ دهستان است. این استان ۹۷۴۹۱ کیلومتر مربع مساحت دارد و بین ۵۱ درجه و ۵۱ دقیقه تا ۵۷ درجه و ۳ دقیقه طول شرقی از نصف‌النهار گرینویچ و ۳۴ درجه و ۱۳ دقیقه تا ۳۷ درجه و ۲۰ دقیقه عرض شمالی از مبدأ استوا قرار گرفته است. استان سمنان از جانب شمال به استان‌های خراسان شمالی، گلستان و مازندران، از جنوب به استان‌های خراسان جنوبی و اصفهان، از مشرق به استان خراسان رضوی و از مغرب به استان‌های تهران و قم محدود است و مرکز آن شهر سمنان می‌باشد. برآورد جمعیت استان در سال ۱۳۹۵، بالغ بر ۷۰۲۳۶۰ نفر بوده که از این تعداد ۵۶۰۵۰۲ نفر در مناطق شهری و ۱۴۱۸۵۸ نفر در مناطق روستایی ساکن بوده‌اند و تراکم نسبی جمعیت در همین سال ۷/۲ نفر در هر کیلومتر مربع است.

جامعه آماری این پژوهش، تعداد ۳۹۴ روستای دارای سکنه استان سمنان براساس سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵ بوده؛ که تعداد ۴۵۸۱۶ خانوار و میزان ۱۴۱۸۵۸ نفر جمعیت در آن ساکن بوده‌اند. برای تعیین حجم نمونه جهت تکمیل پرسش‌نامه در روستاها از فرمول کوکران استفاده گردید. حجم نمونه با حدود اطمینان ۹۵٪ و ضریب دقت ۵ درصد و پیش برآورد واریانس ۰/۲۵ برابر (n=۳۸۱) تعیین شد. در این پژوهش با توجه به ماهیت پژوهش، از روش خوشه‌ای و طبقه‌ای استفاده شده است. بدین صورت که هر شهرستان، یک خوشه، و سپس از هر خوشه، تعداد طبقات، بر اساس عامل جمعیت و توپوگرافی، مشخص گردید. در ابتدا، تعداد ۴۰ روستا به عنوان نمونه از ۳۹۴ روستای دارای سکنه تعیین و بر اساس روش PPS (احتمال نسبت به اندازه) تعداد نمونه (روستا) در هر شهرستان مشخص گردید. سپس در مرحله بعد نقاط روستایی بر مبنای عامل توپوگرافی و میزان جمعیت به طبقات مختلف تقسیم گردیدند و نیز، تعداد نمونه در هر شهرستان بر اساس موقعیت طبیعی و همچنین میزان جمعیت بر طبق روش احتمال نسبت به اندازه، تعیین گردید. در نهایت بر اساس روش PPS حجم نمونه پرسش‌نامه خانوار در هر روستا به دست آمد و در آن‌ها پرسشگری بر اساس ابزار پرسش‌نامه به عمل آمد. از آنجایی که تعداد نمونه پرسش‌نامه در تعدادی از روستاها، به حد نصاب لازم، برای تکمیل پرسش‌نامه نرسید، تعداد پرسش‌نامه‌ها به ۴۰۰، افزایش پیدا کرد؛ همچنین تعداد ۳۰+۱ پرسش‌نامه در بین مدیران محلی (دهیار و اعضای شورای اسلامی) در ۴۰ روستای مورد مطالعه توزیع و تکمیل شدند. داده‌های حاصل از پرسش‌نامه، پس از کُدگذاری و ورود به نرم‌افزار SPSS مورد آزمون قرار گرفتند. برای اطمینان از روایی صوری و محتوایی



شکل ۲: موقعیت جغرافیایی منطقه مورد مطالعه (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵)

بحث و یافته‌ها

از مجموع ۴۰۰ پرسش‌نامه‌ای که توسط روستاییان تکمیل شد، میزان ۸۲/۸ درصد از پاسخگویان، مرد و حدود ۱۷/۳ درصد زن بوده‌اند؛ همچنین در بین مدیران محلی، از مجموع ۴۵ پرسش‌نامه‌ای که تکمیل گردید، میزان ۸۴/۴ درصد از مدیران محلی، مرد و حدود ۱۵/۶ درصد زن بودند. بر اساس اطلاعات به دست آمده از بین چهار گروه سنی، بیشترین درصد پاسخگویان در بین روستاییان، افراد متعلق به گروه سنی ۳۰-۵۰ سال، معادل ۵۵/۳ درصد و در بین

مدیران محلی نیز بیشترین درصد پاسخگویان متعلق به همین گروه سنی بوده است؛ همچنین از مجموع پاسخگویان روستایی، حدود ۶۹/۲۵ درصد دارای تحصیلات دیپلم و کمتر بودند. در گروه پاسخگویان دهیار و شورای اسلامی، سطح تحصیلات کاردانی و کارشناسی با میزان ۵۳/۳، بیشترین مقدار را شامل می‌شدند. سرانجام، از نظر شغل پاسخگویان روستایی و مدیریت محلی، بیشترین مربوط به شاغلان بخش کشاورزی برابر ۷۲ و ۶۸/۸ درصد بوده است (جدول ۶).

جدول ۶: ویژگی‌های عمومی پاسخگویان

دهیار و شورای اسلامی		روستاییان		متغیر	
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی		
۸۴/۴	۳۸	۸۲/۸	۳۳۱	مرد	جنسیت
۱۵/۶	۷	۱۷/۳	۶۹	زن	
۲۴/۴	۱۱	۲۵/۵	۱۰۲	۳۰-۳۰ سال	گروه سنی
۶۲/۲	۲۸	۵۵/۳	۲۲۱	۳۰-۵۰ سال	
۱۳/۳	۶	۱۹/۳	۷۷	+۵۰	
۸/۹	۴	۱/۲۵	۵	بی سواد	تحصیلات
۱۵/۶	۷	۶۹/۲۵	۲۷۷	دیپلم یا کمتر	
۵۳/۳	۲۴	۲۲	۸۸	کاردانی و کارشناسی	
۲۲/۲	۱۰	۷/۵	۳۰	کارشناسی ارشد و بالاتر	شغل
۶۸/۸	۳۱	۷۲	۲۸۸	کشاورز	
۱۵/۵	۷	۱۲/۵	۵۰	صنعتگر	
۱۵/۵	۷	۱۵/۵	۶۲	خدمات	

ماخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۶.

براساس نظرات پاسخگویان روستایی بین اغلب شاخص‌های مقوله توانمندسازی ذی‌نفعان محلی با تحولات فضایی سکونتگاه‌های روستایی، به غیر از شاخص‌های قانونمندی انسجام اجتماعی، اعتماد، اطمینان و همدلی و اعتماد به نفس، رابطه معناداری مشاهده نشد؛ همچنین، بین همه شاخص‌های تعامل یکپارچه ساختاری-کارکردی، با شاخص‌های تحولات فضایی سکونتگاه‌های روستایی، به غیر از شاخص یکپارچگی منابع مالی، نیز ارتباط معناداری وجود نداشت اما، از دیدگاه دهیاری و شورای اسلامی در منطقه مورد مطالعه، به غیر از شاخص‌های انسجام اجتماعی، معنی‌داری، اعتماد، اطمینان و همدلی و اعتماد به نفس، بین سایر شاخص‌های توانمندسازی و تحولات فضایی سکونتگاه‌های روستایی، ارتباط معناداری حاصل نشد؛ همچنین از دیدگاه مدیریت محلی، بین همه شاخص‌های تعامل یکپارچه ساختاری-کارکردی، با شاخص‌های تحولات فضایی سکونتگاه‌های روستایی، به غیر از شاخص یکپارچگی منابع مالی، نیز ارتباط معناداری وجود نداشت (جدول ۷). عدم رابطه معنادار، به معنای نامطلوب بودن وضعیت شاخص‌های توانمندسازی ذی‌نفعان محلی و همچنین تعاملات یکپارچه ساختاری-کارکردی در مدیریت روستایی فعلی و پایین بودن سطح تحولات فضایی سکونتگاه‌های روستایی استان سمنان است. از دیدگاه ذی‌نفعان محلی، چون میزان ارتقاء اکثریت شاخص‌های توانمندسازی و تعامل یکپارچه مدیریتی در حد پایین بوده؛ به تناسب آن نیز، میزان ارتقاء شاخص‌های تحولات فضایی نیز کم بوده است. به سخن دیگر، نظام فعلی مدیریت روستایی، در ارتباط با روش توانمندسازی ذی‌نفعان محلی و همچنین

یکپارچگی بین سیستم‌های فرادست و فرودست در ساختار مدیریت روستایی، به گونه‌ای بوده است که مانع از تحولات فضایی مثبت در سکونتگاه‌های روستایی استان سمنان شده است. در مجموع، ضعف در روش‌های توانمندسازی ذی‌نفعان محلی، همچون آموزش و آگاهی‌بخشی، دانش و مهارت، نهادگرایی و تشکل‌سازی، دسترسی به منابع مالی، پاسخگویی، شفافیت، ایجاد فرصت‌های برابر، انعطاف‌پذیری و تفویض اختیار، مسئولیت‌پذیری و مشارکت، مانع از شکل‌گیری احساس توانمندسازی در بین حوزه‌های مداخله، همچون شایستگی، تأثیر، خودتعیینی، استقلال و معنی‌دار بودن شده است، در پی آن تحولات فضایی سکونتگاه‌های روستایی منطقه مورد مطالعه نیز، کم بوده است، همچنین با توجه به عدم وجود رابطه معنادار بین اکثریت شاخص‌های تعامل یکپارچه ساختاری-کارکردی در سیستم فعلی مدیریت روستایی و تحولات فضایی سکونتگاه‌های روستایی استان سمنان و ضعف‌های موجود در ارتباط با وجود زمینه‌های قانونی برای مشارکت و همکاری ذی‌نفعان محلی، هماهنگی بین بخش‌های مختلف اقتصادی در سطح روستا و در ارتباط با شهر، میزان تعاملات بین حوزه‌های مداخله در فرآیند مدیریت روستایی، تعیین حدود و وظایف نهادهای مختلف دولتی و محلی برای جلوگیری از موازی‌کاری و دوباره‌کاری، ارتباط بین شهر و روستا از جنبه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی و ...، هماهنگی بین سازمان‌ها و نهادهای درگیر در مدیریت روستایی، توزیع منطقی قدرت و اختیارات و ...، میزان تحولات فضایی سکونتگاه‌های روستایی منطقه مورد مطالعه، پایین بوده است.

جدول ۷: رابطه شاخص‌های توانمندسازی ذی‌نفعان محلی، تعامل یکپارچه ساختاری - کارکردی و تحولات فضایی سکونتگاه‌های روستایی با استفاده از سنجه پیوند کندال نااوبی

دیدگاه دهیاری و شورای اسلامی		میانگین	دیدگاه روستاییان		میانگین	مقوله اثر پذیر	شاخص‌های اثر گذار
ضریب همبستگی	سطح معناداری		ضریب همبستگی	سطح معناداری			
۰/۰۸۹	۰/۱۴۹	۳/۱۰	۰/۰۷۴	۰/۱۸۱	۲/۴۴	آموزش و آگاهی بخشی	
۰/۲۴۷	۰/۱۴۴	۳/۱۲	۰/۱۲۰	۰/۱۹۸	۲/۴۰	دانش و مهارت	
۰/۰۸۲	۰/۱۸۳	۲/۷۳	۰/۹۰۹	۰/۱۹۹	۲/۴۵	پاسخگویی	
۰/۰۶۰	۰/۱۷۲	۲/۹۷	۰/۰۹۴	۰/۰۰۴	۲/۷۴	شفافیت	
۰/۰۸۲	۰/۰۷۹	۲/۷۵	۰/۰۰۱	۰/۱۳۶**	۲/۴۹	قانونمندی	
۰/۱۰۱	۰/۱۹۱	۳	۰/۳۷۹	۰/۰۶۶	۲/۵۲	مسئولیت‌پذیری	
۰/۱۱۸	۰/۴۷۷	۲/۹	۰/۰۸۱	۰/۱۱۵	۲/۱۶	دسترسی به منابع مالی	
۰/۰۶۹	۰/۵۱۱	۳/۰۱	۰/۰۹۳	۰/۲۱۴	۲/۴۹	انعطاف‌پذیری و تفویض اختیار	
۰/۰۰۳	۰/۲۷۷*	۲/۹۳	۰/۰۰۲	۰/۲۵۱**	۲/۵۸	انسجام اجتماعی	
۰/۱۳۸	۰/۱۴۲	۲/۹۱	۰/۲۱۵	۰/۲۲۹	۲/۳۷	نهادگرایی و شکل‌سازی	
۰/۱۰۲	۰/۴۲۸	۳/۴	۰/۱۳۱	۰/۰۲۰	۲/۲۰	ایجاد فرصت‌های برابر	
۰/۱۵۰	۰/۶۵۰	۲/۸۳	۰/۱۲۵	۰/۶۵۴	۲/۶۱	مشارکت	
۰/۰۷۵	۰/۲۱۴	۳/۲۷	۰/۰۶۸	۰/۳۶۴	۲/۱۲	شایستگی	
۰/۰۰۱	۰/۳۷۵**	۳/۲۲	۰/۰۷۸	۰/۴۷۰	۲/۲۳	معنی‌داری	
۰/۱۲۴	۰/۲۳۳	۳/۰۲	۰/۱۰۸	۰/۱۵۰	۲/۲۶	خودتعیینی	
۰/۰۹۶	۰/۱۷۵	۲/۹۳	۰/۲۳۳	۰/۱۱۸	۲/۴۸	تأثیر	
۰/۰۰۰	۰/۳۶۰**	۲/۹۷	۰/۰۰۰	۰/۳۳۷**	۲/۴۸	اعتماد، اطمینان و همدلی	
۰/۰۴۱	۰/۱۷۸*	۳/۱۸	۰/۰۰۰	۰/۱۴۴**	۲/۱۲	اعتماد به نفس	
۰/۲۲۹	۰/۲۶۸	۲/۹۵	۰/۰۶۷	۰/۳۱۸	۲/۳۰	یکپارچگی سیاست‌ها و قوانین	
۰/۰۷۳	۰/۲۰۷	۲/۹۵	۰/۱۰۸	۰/۲۸۱	۲/۴۶	یکپارچگی وظایف و عملکردها	
۰/۰۸۸	۰/۲۹۱	۳/۰۸	۰/۱۸۴	۰/۴۶۴	۲/۳۹	یکپارچگی بخشی	
۰/۱۰۴	۰/۲۳۴	۳/۰۳	۰/۰۹۷	۰/۳۵۵	۲/۹۲	یکپارچگی ساختاری-مدیریتی	
۰/۰۱۶	۰/۲۴۵*	۳/۰۱	۰/۰۰۰	۰/۴۷۳**	۲/۲۲	یکپارچگی منابع مالی	
۰/۰۷۹	۰/۱۷۸	۳/۰۱	۰/۰۷۷	۰/۲۳۱	۲/۴۳	توانمندسازی ذی‌نفعان محلی در مدیریت روستایی	
۰/۰۹۰	۰/۳۷۱	۳	۰/۰۹۲	۰/۴۵۳	۲/۴۶	تعامل یکپارچه ساختاری-کارکردی در مدیریت روستایی	

ماخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۶.

تبیین شده است. از دیدگاه مدیریت محلی نیز، میان شاخص‌های توانمندسازی دهیاران و اعضای شورای اسلامی و همچنین تعامل یکپارچه ساختاری کارکردی در فرآیند مدیریت روستایی و تحولات فضایی سکونتگاه‌های روستایی استان سمنان، به میزان ۰/۴۲۲ همبستگی وجود دارد، همچنین، ضریب تعیین تعدیل شده نشان می‌دهد که ۴۱/۵ درصد تحولات فضایی سکونتگاه‌های روستایی استان سمنان، ناشی از شاخص‌های سنجش شده مذکور در منطقه مورد مطالعه، تبیین شده است (جدول ۸).

بر اساس نتایج به دست آمده، میان شاخص‌های توانمندسازی روستاییان و همچنین تعامل یکپارچه ساختاری-کارکردی در فرآیند مدیریت روستایی و تحولات فضایی سکونتگاه‌های روستایی استان سمنان، به میزان ۰/۳۹۵ همبستگی وجود دارد؛ همچنین ضریب تعیین تعدیل شده نشان می‌دهد که حدود ۳۷/۱ درصد تحولات فضایی سکونتگاه‌های روستایی استان سمنان، ناشی از شاخص‌های سنجش شده توانمندسازی و تعاملات یکپارچه ساختاری-کارکردی فرآیند مدیریت روستایی در منطقه مورد مطالعه،

جدول ۸: ارتباط بین شاخص‌های توانمندسازی ذی نفعان محلی و تعامل یکپارچه ساختاری-کارکردی در فرآیند مدیریت روستایی و تحولات فضایی سکونتگاه‌های روستایی با استفاده از آزمون رگرسیون چندمتغیره

اشتباه معیار	ضریب تعیین تعدیل شده R_{ad}	ضریب تعیین R^2	ضریب همبستگی چندگانه (۲)	
۰/۱۴۲۰۱	۰/۳۷۱	۰/۳۹۸	۰/۳۹۵ ^a	روستاییان
۰/۰۶۷۱۱	۰/۴۱۵	۰/۴۳۵	۰/۴۲۲ ^a	مدیریت محلی

ماخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۶.

مدیریت روستایی، به طور معناداری، قادر به تبیین و پیش بینی تحولات فضایی سکونتگاه‌های روستایی منطقه مورد مطالعه بوده است. (جدول ۹).

همچنین، بر اساس مقدار محاسبه شده برای F و سطح معناداری ۰/۰۰۰، می‌توان گفت که ترکیب متغیرهای مستقل تسهیل کننده‌های توانمندسازی و یکپارچگی تعامل ساختاری-کارکردی در فرآیند

جدول ۹: معناداری رگرسیون شاخص‌های توانمندسازی ذی نفعان محلی و تعاملات یکپارچه ساختاری-کارکردی در فرآیند مدیریت روستایی و تحولات فضایی سکونتگاه‌های روستایی

سطح معناداری	F	میانگین مربعات	درجه آزادی (df)	مجموع مربعات	مدل	
۰/۰۰۰	۴۶۱/۲۸۶	۲/۰۷۸	۲۳	۱۴/۷۸۸	رگرسیون	روستاییان
		۰/۰۰۵	۳۷۶	۱/۶۹۴	باقیمانده	
			۳۹۹	۴۹/۴۸۱	کل	
۰/۰۰۰	۱۸/۵۴۷	۰/۵۴۹	۲۳	۱۲/۶۳۶	رگرسیون	مدیریت محلی
		۰/۰۳۰	۲۱	۰/۶۲۲	باقیمانده	
			۴۴	۱۳/۲۵۸	کل	

ماخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۶.

در تمامی شاخص‌ها، به غیر از شاخص‌های قانونمندی، انسجام اجتماعی، اعتماد، اطمینان و همدلی، اعتماد به نفس و یکپارچگی منابع مالی، تأثیر آماری معناداری مشاهده نشد. به عبارتی، شاخص‌های نامبرده در مدیریت روستایی فعلی، وضعیت نسبتاً

در نهایت، بر اساس نتایج رگرسیون چندمتغیره، در ارتباط با شاخص‌های توانمندسازی روستاییان و همچنین یکپارچگی تعامل ساختاری-کارکردی در فرآیند مدیریت روستایی و تأثیرات آن بر تحولات فضایی سکونتگاه‌های روستایی منطقه مورد مطالعه،

مطلوبی دارند؛ همچنین در ارتباط با شاخص‌های توانمندسازی مدیریت محلی و تأثیرات آن بر تحولات فضایی سکونتگاه‌های روستایی، در تمامی شاخص‌ها، به غیر از شاخص‌های انسجام اجتماعی، معنی‌داری، اعتماد، اطمینان و همدلی، اعتماد به نفس و یکپارچگی منابع مالی، تأثیر آماری معناداری مشاهده نشده است. در واقع، اکثریت شاخص‌های مورد بررسی در دو بخش روش و احساس توانمندسازی و یکپارچگی تعامل ساختاری-کارکردی، در وضعیت موجود، تبیین‌کننده وضعیت آینده تحولات فضایی سکونتگاه‌های روستایی منطقه مورد مطالعه، در راستای بهبود ابعاد آن نیستند (جدول ۱۰). به سخن دیگر، وضعیت شاخص‌های روش توانمندسازی حوزه‌های مداخله در فرایند مدیریت روستایی همچون آموزش و آگاهی بخشی، نهادگرایی، پاسخگویی، شفافیت، انعطاف‌پذیری و تفویض اختیار، دسترسی به منابع مالی، ایجاد فرصت‌های برابر و مشارکت، به گونه‌ای است که منجر به عدم شکل‌گیری احساس توانمندسازی در حوزه‌های مداخله از قبیل احساس خودتعیینی، شایستگی و تأثیر می‌شود. از سویی دیگر، یکپارچگی پایین در سطوح ساختاری-مدیریتی، بخشی و بین بخشی، فعالیت‌ها و عملکردها و همچنین سیاستی و قوانین در وضعیت موجود، نمی‌توانند تبیین‌کننده وضعیت آینده تحولات فضایی سکونتگاه‌های روستایی منطقه مورد مطالعه، در راستای بهبود آن باشند. با توجه به جدول ۱۰، از دیدگاه روستاییان، در بین شاخص‌های روش و احساس توانمندسازی ذی‌نفعان محلی و همچنین تعاملات یکپارچه ساختاری-کارکردی، شاخص اعتماد، اطمینان و همدلی با ضریب تأثیر ۰/۱۶۵، بیشترین تأثیر را بر تحولات فضایی سکونتگاه‌های روستایی استان سمنان، داشته است و همچنین از دیدگاه مدیریت محلی، شاخص یکپارچگی منابع مالی با ضریب تأثیر ۰/۴۶۳، بیشترین تأثیر را بر تحولات

فضایی سکونتگاه‌های روستایی استان سمنان، داشته است. شاخص‌های مورد بررسی در این پژوهش در ارتباط با توانمندسازی ذی‌نفعان محلی در فرآیند مدیریت روستایی فعلی به گونه‌ای بوده که نتوانسته است زمینه را برای «توانمندسازی مولد»، تقویت خودباوری، خودکارآمدی و خودتصمیم‌گیری ذی‌نفعان محلی در فرآیند اداره و مدیریت نقاط روستایی (قدرت‌در) فراهم آورد. به سخن دیگر، در رویکرد مدیریت فعلی، توانمندسازی ذی‌نفعان محلی، به جای حالت «قدرت‌با» و «قدرت‌در» که به ارتقاء خودآگاهی و مشارکت ذی‌نفعان محلی می‌انجامد، حالت «قدرت‌بر» و به شکل سلطه‌آمیز بوده و در نتیجه نتوانسته است احساس معنی‌دار بودن، شایستگی و یا خودباوری، اعتماد، قدرت و توانمندی را در بین آن‌ها ایجاد نماید. به عبارت دیگر، به دلیل اتخاذ رویکرد «توسعه از بالا به پایین» و «حکومت‌محور» در فرآیند مدیریت روستایی، عوامل تسهیل‌کننده توانمندسازی در فرایند مدیریت روستایی در منطقه مورد مطالعه، به صورت نامولد عمل کرده است. به طوری که براساس یافته‌های این پژوهش، گیرندگان و برون‌دهندگان توانمندسازی نامولد هنوز به شکل فزاینده‌ای غلبه دارند. از طرف دیگر، عدم شکل‌پذیری تعامل یکپارچه در ساختار مدیریت روستایی در درون خود و در ارتباط با شهر نیز بر چالش‌های موجود افزوده است. دوباره‌کاری، ایجاد تشکیلات عریض و طویل دیوانی، عدم یکپارچگی سیاست‌ها و قوانین موجود، یکپارچگی عملکردی ضعیف بین سازمان‌ها و نهادهای درگیر دولتی و محلی، موازی‌کاری و تداخل وظایف در کلیه مراحل تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری، اجرا، ارزیابی و کنترل طرح‌ها و پروژه‌ها، عدم ارتباط و تعامل متناسب بین شهر و روستا در بخش‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، عمرانی و زیرساختی و غیره از جمله مسائل ساختاری-کارکردی در فرآیند مدیریت روستایی منطقه مورد مطالعه است.

جدول ۱۰: ضرايب ميزان شدت اثرگذاري شاخص‌هاى توانمندسازى ذى‌نفعان محلى و تعامل يکپارچه ساختارى-کارکردى در فرآيند مديريت روستايى بر تحولات فضايى سکونتگاههاى روستايى

سطح معنادارى	t	ضريب استاندارد	ضريب غير استاندارد		شاخص ها	
			Beta	Std B		
۰/۰۳۶	۰/۸۹۹	۰/۰۷۲	۰/۰۱۸	۰/۰۱۶	قانونمندی	روستاييان
۰/۰۲۲	-۳/۱۳۶	-۰/۰۸۱	-۰/۰۰۸	-۰/۰۲۵	انسجام اجتماعى	
۰/۰۱۰	۴/۷۴۱	۰/۱۶۵	۰/۰۱۱	۰/۱۵۷	اعتماد، اطمینان و همدلى	
۰/۰۲۴	۱/۲۸۱	۰/۰۳۴	۰/۰۱۲	۰/۰۱۵	اعتماد به نفس	
۰/۰۲۶	-۲/۷۸۸	-۰/۰۷۲	-۰/۰۰۷	-۰/۰۲۰	يکپارچگى منابع مالى	
۰/۰۲۵	۱/۱۸۳	۰/۱۶۶	۰/۰۸۱	۰/۰۹۵	انسجام اجتماعى	مديريت محلى
۰/۰۲۶	۱/۱۴۳	۰/۱۵۵	۰/۱۱۷	۰/۱۳۴	معنى دارى	
۰/۰۰۵	۳/۰۹۵	۰/۳۴۵	۰/۱۳۱	۰/۴۰۴	اعتماد، اطمینان و همدلى	
۰/۰۱۴	-۱/۵۰۴	-۰/۲۹۱	۰/۱۲۸	-۰/۱۹۳	اعتماد به نفس	
۰/۰۲۸	۲/۹۵۱	۰/۴۶۳	۰/۱۴۶	۰/۴۳۲	يکپارچگى منابع مالى	

ماخذ: يافته‌هاى تحقيق، ۱۳۹۶

مديريتى سازمان‌ها و نهادهای درگير در امر توسعه روستايى از طريق اجرائى روش‌هاى مشارکتى، عوامل توانمندسازى و مهارتى افراد، مشارکت، مسئوليت- پذيرى، دانش، نوع نگرش، آموزش، خودمديريتى، اعتماد به نفس، خودمختارى، خودتعيينى، معنى دارى و غيره تاکيد شده است. از طرف ديگر، يافته‌هاى اين پژوهش با پژوهش‌هاى صورت گرفته در کشورهاى از قبيل هند (Isaac & Harilal, 1997)، هندوراس، مالى، اوکراين و فيليپين (Harry Blair, 2000)، هنگ کنگ (Kam NG, 2008)، کره (Jin Eom, 2011) و جمهورى صربستان (Ristic, 2013) متفاوت است، زيرا، در اين کشورها، توسعه اجتماع محور و به کارگيرى توان جمعى بازيگران و اجرائى برنامه‌هاى مبتنى بر توانمندسازى و ظرفيت‌سازى عاملين توسعه و در نهايت مشارکت تمامى ذى‌نفعان آن‌ها، منجر به پيوند و هم‌افزاىى بيشتر دولت و جامعه محلى و در پى آن، تحولات فضايى مثبت در نقاط روستايى کشورهاى مذکور شده است، در حالى که نتايج اين پژوهش به دليل رويکرد حاکم بر فرآيند مديريت روستايى در منطقه مورد مطالعه و عملکرد نامطلوب اين فرآيند در جهت توانمندسازى مولد ذى‌نفعان محلى و همچنين ايجاد هماهنگى و تعاملات يکپارچه مديريت شهري و

در مجموع، بين اکثریت شاخص‌هاى مقوله اثرگذار با تحولات فضايى سکونتگاههاى روستايى منطقه مورد مطالعه، از دیدگاه روستاييان و مديريت محلى، ارتباط معنادارى مشاهده نشده است. به سخن ديگر، کم‌توجهى به تسهيل کننده‌هاى «توانمندسازى مولد» ذى‌نفعان محلى و همچنين عدم تعامل يکپارچه ساختارى - کارکردى در فرآيند مديريت روستايى، باعث پايين ماندن سطح تحولات فضايى سکونتگاههاى روستايى منطقه مورد مطالعه بوده است. يافته‌هاى اين پژوهش بر اساس واکاوى ادبيات و پيشينه موضوع با پژوهش‌هاى صورت گرفته در کشورهاى نپال (Dhungel & Tips, 1987)، غنا (Kumanini, 1993)، آفريقا (Lockett et al, 2001)، سنگال (Bannon, 2004) و هائيتى (Reesor, 2010) مطابقت دارد. به نوعى در تمامى پژوهش‌هاى صورت گرفته به خلاء ارتقاء شاخص‌هاى «توانمندسازى مولد» جامعه محلى و همچنين عدم ارتباط و تعاملات يکپارچه و هماهنگ در سطوح مختلف مديريتى در مناطق روستايى و در ارتباط با شهر و در پى آن پايين بودن ميزان ارتقاء شاخص‌هاى تحولات فضايى اشاره شده است و بر رويکرد برنامه‌ريزى و مديريت از «پايين به بالا» و «مشارکتى» و «مديريت اجتماع محور» و توجه به مواردى همچون بهبود و ارتقاء سيستم

روستایی، برخلاف پژوهش‌های انجام گرفته در دیگر کشورها است.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در رویکرد نوین مدیریت توسعه روستایی، مفاهیم برنامه‌ریزی و مدیریت هدایت شده و متمرکز که راه‌کارهای آن صرفاً طراحی و اجرا از «بالا به پایین» بود، جایگاه خود را از دست داده است. در مدیریت نوین توسعه روستایی، رهبری و مدیریت با درک پویایی و ماهیت رویکرد «پایین به بالا»، رفتار حمایتی، تعاملات چندجانبه بین سطوح مختلف عملکردی و ساختاری در فرآیند مدیریت، مکانیسم‌های «توانمندسازی مولد» ذی‌نفعان، حوزه‌های مداخله‌کننده در فرآیند مدیریت توسعه روستایی و ایجاد خودباوری و خوداعتمادی در بین جوامع و نهادهای محلی، اندیشه مدیریتی خود را سامان می‌دهند. بر این شالوده، این پژوهش به بررسی ابعاد توانمندسازی ذی‌نفعان محلی و همچنین تعاملات یکپارچه ساختاری-کارکردی در فرآیند مدیریت روستایی و اثرات آن بر تحولات فضایی سکونتگاه‌های روستایی استان سمنان پرداخته است. یافته‌های این پژوهش، مبین نامطلوب بودن جایگاه این شاخص‌ها در فرآیند مدیریت روستایی منطقه مورد مطالعه است. با توجه به واکاوی ادبیات موضوع، شیوه فعلی مدیریت روستایی در ایران و اتخاذ رویکرد مدیریتی «حکومت‌محور» و کم‌توجه به «مدیریت محلی»، به نوعی بر یافته‌های این پژوهش صحت می‌گذارد. شاخص‌های مورد بررسی در این پژوهش در ارتباط با توانمندسازی ذی‌نفعان محلی در فرآیند مدیریت روستایی به گونه‌ای بوده که نتوانسته است زمینه را برای «توانمندسازی مولد»، تقویت خودباوری، خودکارآمدی و خودتصمیم‌گیری روستاییان و مدیریت محلی در فرآیند اداره و مدیریت نقاط روستایی (قدرت‌در) فراهم آورد. به سخن دیگر، در رویکرد مدیریت فعلی، توانمندسازی ذی‌نفعان محلی، به جای حالت «قدرت‌با» و «قدرت‌در» که به ارتقاء خودآگاهی و مشارکت ذینفعان محلی می‌انجامد،

حالت «قدرت‌بر» و به شکل سلطه‌آمیز بوده و در نتیجه نتوانسته است احساس معنی‌دار بودن، شایستگی و یا خودباوری، اعتماد، قدرت و توانمندی را در بین ذی‌نفعان محلی ایجاد نماید. به عبارت دیگر، به دلیل اتخاذ رویکرد «توسعه از بالا به پایین» و «حکومت‌محور» در فرآیند مدیریت روستایی، عوامل تسهیل‌کننده توانمندسازی در فرآیند مدیریت روستایی در منطقه مورد مطالعه، به صورت نامولد عمل کرده است. به طوری که براساس یافته‌های این پژوهش، گیرندگان و بروزدهندگان توانمندسازی نامولد هنوز به شکل فزاینده‌ای غلبه دارند. از این رو، مدیریت روستایی با رویکرد موجود نتوانسته است؛ جامعه محلی را به مثابه یکی از عوامل و ارکان قدرت در بین سایر حوزه‌های مداخله‌کننده در فرآیند مدیریت روستایی و در فراگرد تصمیم‌سازی، تصمیم‌گیری، اجرا، نظارت و کنترل بر طرح‌ها و پروژه‌ها درآورد. شایان‌ذکر است، اگرچه در رویکرد فعلی مدیریت روستایی، به لحاظ تئوریک به شاخص‌های تسهیل‌کننده توانمندسازی همچون آموزش، ارتقاء دانش و مهارت، پاسخگویی، شفافیت، قانونمندی، انعطاف‌پذیری و تفویض اختیار، ایجاد فرصت‌های برابر، ایجاد نظام یکپارچه سطوح مختلف مدیریتی و به عبارتی جایگزینی رویکرد فعلی مدیریت روستایی (رویکرد عقلایی فن‌محور) با رویکرد ارتباطی و تعاملی تاکید شده است؛ لیکن همچنان در عمل، ساختار مدیریتی غیرمنعطف و برخاسته از تفکرات فن‌محور، مانع از پویایی جامعه محلی به مثابه یک رکن اصلی قدرت و گذار آن‌ها به سوی «توانمندسازی مولد» و مشارکت در فراگرد مدیریت اجتماعی - اقتصادی سکونتگاه‌های روستایی شده است. از طرف دیگر، عدم شکل‌پذیری تعامل یکپارچه در ساختار مدیریت روستایی در درون خود و در ارتباط با شهر نیز بر چالش‌های موجود افزوده است. دوباره‌کاری، ایجاد تشکیلات عریض و طویل دیوانی، عدم یکپارچگی سیاست‌ها و قوانین موجود، یکپارچگی عملکردی ضعیف بین سازمان‌ها و نهادهای درگیر دولتی و محلی، موازی‌کاری و تداخل وظایف در کلیه

مدیریت روستایی در ایران و منطقه مورد مطالعه از طریق انتخاب سیاست‌های اجتماعی و اقتصادی مناسب دولت و به‌کارگیری روش‌های مناسب توانمندسازی مولد ذی‌نفعان محلی؛ همچنین ایجاد هماهنگی ساختاری و کارکردی در فرآیند مدیریت روستایی مورد تأکید است. رویکردی که در آن نگاه قبلی با اصالت متخصص از «بالا به پایین»، جایگزین ابتکارات محلی از «پایین به بالا» گردد و با تفویض اختیار و مسؤلیت‌دهی به مدیریت محلی، استفاده از پتانسیل‌ها و ظرفیت بومی ذی‌نفعان محلی و به رسمیت شناختن جوامع محلی در کنار تمامی بازیگران و ذی‌نفعان درگیر در فرآیند مدیریتی از طریق مکانیسم‌های «توانمندسازی مولد»، و اتخاذ رویکرد برنامه‌ریزی و مدیریت غیرمتمرکز و چندسطحی و سرانجام ایجاد یک نظام یکپارچه از سطوح مختلف برنامه‌ریزی و مدیریت در نظام‌های فرادست و فرودست، باعث تحولات فضایی مثبت در سکونتگاه‌های روستایی شود.

با توجه به یافته‌های نظری و تجربی تحقیق، راهکارها و پیشنهادهایی در دو بُعد توانمندسازی ذی‌نفعان محلی و تعاملات ساختاری-کارکردی در فرآیند مدیریت روستایی، ارائه می‌شود:

پیشنهادها در راستای توانمندسازی ذی‌نفعان محلی:

❖ مدیریتی که با اصالت متخصصین برای سکونتگاه‌های روستایی مورد مطالعه پیاده‌سازی می‌شود، غیر مشارکتی است و درگیر کردن افراد را در فرآیند مدیریت توسعه به همراه نخواهد داشت، از این رو پیشنهاد می‌گردد، تغییر رویکرد در مدیریت، از متخصص‌محور به ارتباطی صورت گیرد.

❖ برای دستیابی به تحولات فضایی سکونتگاه‌های روستایی، به کارگیری توان جمعی و اعمال روش‌های مشارکتی توسط دولت و برنامه‌ریزان بهتر است مورد توجه قرار گیرد. از این رو، تشکیل و تقویت نهادهای غیردولتی، تشکل‌های مردمی -

مراحل تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری، اجراء، ارزیابی و کنترل طرح‌ها و پروژه‌ها، عدم ارتباط و تعامل متناسب بین شهر و روستا در بخش‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، عمرانی و زیرساختی و غیره از جمله مسائل ساختاری-کارکردی در فرآیند مدیریت روستایی منطقه مورد مطالعه است. وضعیت موجود نظام مدیریت روستایی کشور، از دو منظر ساختاری و کارکردی با مشکل جدی مواجه می‌باشد. از دیدگاه ساختاری و با نگرش سیستمی، روابط و تعاملات نظام مدیریت روستایی، به مثابه یک سیستم باز، با سیستم‌های فراسطح و نظام‌های ملی همچون وزارتخانه‌ها و شوراهای عالی و نظام‌های منطقه‌ای از قبیل ادارات کل و استانداری‌ها، به سبب تمرکز در ساختار سیاسی-مدیریتی کشور، دارای نوعی رابطه خطی-عمودی و یک‌سویه بوده و با مدیریتی منفعل رو به رو است. از نظر رابطه با ادارات و سازمان‌هایی همچون دستگاه‌های اجرایی و فرمانداری‌ها به دلیل وجود روابط ناهماهنگ، مدیریتی چندپارچه حاکم است. نسبت به سیستم‌های فرسطح و داخلی نیز به لحاظ فقدان انسجام کافی در تعاملات سیستمی، مدیریتی غیرمنسجم و از نظر محیطی به جهت عدم برخورداری از بسترهای مناسب فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و حقوقی، تحت تأثیر پاره‌ای قانون‌گریزی‌ها، مشارکت ناکافی مردم و فشار برخی سازمان‌های غیررسمی قرار دارد؛ بنابراین نظام مدیریت روستایی کشور از دیدگاه ساختاری، در محیط نامساعدی ایفای نقش می‌نماید؛ همچنین از دیدگاه کارکردی، مدیریت روستایی با چنین ساختاری در انجام وظایف برنامه‌ریزی، سازماندهی، هماهنگی، رهبری و ... دچار مشکل است، به طوری که به دلیل وجود مراجع متعدد در مدیریت روستایی، ناهماهنگی در سازمان‌های اجرایی و عدم امکان رهبری و کنترل همه‌گنشگران حوزه روستایی، با موانع اساسی در روند وظیفه‌ای خود رو به رو است. از این رو، مدیریت به صورت متمرکز و دولتی، مجزا و بخشی در ایران دارای توجیه نبوده و از گذشته تاکنون موفقیتی نداشته است. از این رو در این پژوهش، تغییر و اصلاح رویکرد حاکم بر فرآیند نظام

❖ به لحاظ نهادی و قانونی، در جهت تسهیل و افزایش مشارکت عمومی روستاییان، ظرفیت‌سازی لازم صورت گیرد.

منابع

۱. استعلاجی، علیرضا. ۱۳۹۱. بررسی الگوی مدیریت روستایی در ایران با تأکید بر مدیریت محلی و مشارکتی دهیاری‌ها. جغرافیا، سال دهم، شماره ۳۲، صص ۲۵۸-۲۴۰.
۲. ایمانی جاجرمی، حسین و نوابی، آیدا. ۱۳۹۳. بررسی راههای دستیابی دهیاری به درآمدهای پایدار بر اساس ظرفیت اجتماع محلی. توسعه روستایی، دوره ششم، شماره ۲، صص ۲۵۴-۲۳۳.
۳. احمدی، منیژه و چراغی، مهدی. ۱۳۹۶. ارزیابی عوامل مؤثر بر تحقق حکمروایی خوب روستایی با تأکید بر عملکرد دهیاری‌ها. مطالعه موردی: دهستان چاپاره بالا، شهرستان زنجان، جغرافیا، سال هفتم، شماره ۴، صص ۴۴-۳۳.
۴. بهزادنسب، جانعلی. ۱۳۸۹. تحلیل و تعیین فرآیند مطلوب انجام برنامه‌ریزی توسعه روستایی در کشور بر اساس رویکرد برنامه‌ریزی ارتباطی. روستا و توسعه، سال ۱۳، شماره ۴، صص ۷۴-۵۱.
۵. بدری، علی. ۱۳۹۰. چالش‌های مدیریت روستایی در ایران و ارائه سیاست‌های راهبردی. ره نامه سیاست-گذاری، شماره ۳، صص ۱۸۰-۱۴۷.
۶. پورمحمدی، محمدرضا و طورانی، علی. ۱۳۹۵. شناسایی و تحلیل عوامل مؤثر در توسعه یکپارچه با تأکید بر پیوندهای روستایی-شهری (شهرستان مینودشت). برنامه ریزی و آمایش فضا، دوره ۲۱، شماره ۲، صص ۱۱۸-۸۱.
۷. حسام، مهدی. رضوانی، محمدرضا و آشور، حدیثه. ۱۳۹۳. سنجش رضایتمندی روستاییان از عملکرد دهیاری‌ها با رویکرد حکمروایی خوب روستایی، مطالعه موردی: روستاهای دهستان جنوبی-شهرستان گرگان. آمایش جغرافیایی فضا، سال چهارم، شماره ۱۴، صص ۱۲۸-۱۰۰.
۸. حیدری، زهرا. رضوانی، محمدرضا و بدری، علی. ۱۳۹۵. تحلیل عوامل مؤثر بر مشارکت اجتماع محلی در برنامه ریزی توسعه گردشگری کشاورزی، مطالعه موردی: نواحی روستایی بخش مرکزی شهرستان تنکابن.

محلی برای مشارکت بیشتر در توسعه محلی پیشنهاد می‌گردد.

❖ دوره‌های آموزشی متناسب و کاربردی و همچنین مورد نیاز ذینفعان محلی، جهت ارتقای توانمندی، قدرت، خودتکایی و مشارکت آن‌ها در فرآیند مدیریت روستایی، برگزار گردد.

❖ توان تخصصی، افزایش مهارت‌های ارتباطی و مسئولیت‌پذیری ذینفعان محلی در فرآیند مدیریت روستایی، ارتقاء یابد.

❖ برخی از تصمیم‌گیری‌ها (تفویض اختیار) به ذینفعان محلی واگذار گردد که البته این امر، مستلزم ایجاد و اصلاح نظام متمرکز مدیریت روستایی و ایجاد زمینه‌های قانونی، اجرایی، مدیریتی و اجتماعی، جهت به رسمیت شناختن جایگاه مدیریت محلی در فرآیند مدیریت روستایی است.

❖ شرایط دسترسی آسان به منابع مالی دولتی و غیردولتی توسط تشکلهای و نهادهای محلی در فرآیند مدیریت روستایی، فراهم گردد.

پیشنهادها در راستای تعاملات ساختاری-

کارکردی:

- ❖ جایگاه مشخص و مناسب برای مدیریت روستایی در نظام مدیریت کلان کشور، تبیین گردد.
- ❖ تعهد شفاف به مشارکت در فرآیندهای هماهنگی بین‌سازمانی و اجرای مؤثر آن‌ها وجود داشته باشد.
- ❖ ترویج سیاست یکپارچه‌سازی در فرآیند مدیریت برای از بین بردن ساختار دوگانه شهر و روستا ضرورت دارد.
- ❖ ارتباط و پیوند هماهنگ بین فعالیت‌های بخش‌های مختلف در درون روستا و در ارتباط با شهر، ایجاد گردد.
- ❖ وظایف بین وزارتخانه‌های درگیر و سازمان مربوطه، به شکلی شفاف، تقسیم و بازنگری شوند، در غیر این صورت، احتمال همپوشانی وظایف، زیاد می‌شود که هماهنگی را مشکل خواهد ساخت.

- Martiin. Beunen, Raoul .2014. Power and Contingency in Planning, Environment and Planning A, 46 (10): 2385-2400.
18. Bottrell, Dorothy. 2009. Understanding 'Marginal' Perspectives Towards a Social Theory of Resilience, Qualitative Social Work, 8(3): 321-339.
19. Blair, Harry .2000. Participation and Accountability at the Periphery: Democratic Local Governance in Six Countries, World Development, 28 (1): 21-39.
20. O'Bannon, Brett R .2004. Confronting the development dilemma: Decentralized cooperation, Governanve and local responses to neoliberal reform in rural Senegal, Doctor of Philosophy in the Department of Political Science, Department of Political Science, Indiana University.
21. Chen, Zhiyong. Li, Lejing. Li, Tianyi .2016. The organizational evolution, systematic construction and empowerment of Langde Miao s community tourism, Tourism Management, 28(6): 75-86.
22. Cheung, Chau-Kiu. Chan, Raymond Kwok-Hong. 2010. Social Capital as Exchange: Its Contribution to Morale, Social Indicators Research, 96 (2): 205-227.
23. Camagni, Roberto .2017. Spatial Planning and Sustainability: A Bi-directional Relationship, Sustainable Spatial Development: Strengthening Intersectoral Relations, Budapest, March, 2003. Springer International Publishing AG 2017, Seminal Studies in Regional and Urban Economics.
24. Christensen, Tom & Læg Reid, Per .2008. The Challenge of Coordination in Central Government Organizations: The Norwegian Case, Public Organization Review, 8(2): 97-116.
25. Chakrabarty, BK .2001. Urban management: Concepts, Principles, Techniques and Education, Cities, 18 (5): 331-345.
26. Douglass, Mike .1998. A Regional Network Strategy for Reciprocal Rural-Urban Linkages: An Agenda for Policy
- آمایش جغرافیایی فضا، سال ششم، شماره ۲۱، صص ۱۳-۲۶.
۹. رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا و بهزادنسب، جانعلی. ۱۳۸۳. برنامه ریزی ارتباطی، رویکردی انتقادی به نظریه برنامه ریزی (با تأکید بر برنامه‌ریزی توسعه روستایی). مدرس، دوره ۸، شماره ۱، صص: ۱-۲۲.
۱۰. سجاسی قیداری، حمداله. حاجیان، نرگس. ۱۳۹۷. ارزیابی مدیریت محلی در مناطق روستایی با شاخص های حکمروایی مطلوب، نمونه موردی: روستاهای توابع شهرستان چناران. آمایش جغرافیایی فضا، سال هشتم، شماره ۲۸، صص ۱۹۱-۲۰۸.
۱۱. شریف زاده، محمد شریف. عبدالله زاده، غلامحسین. صالحی طالشی، فاطمه و خواجه شاهکویی، علیرضا. ۱۳۹۶. حکمروایی شایسته مبتنی بر سرمایه اجتماعی در مدیریت روستایی در شهرستان جویبار. آمایش جغرافیایی فضا، سال هفتم، شماره ۲۳، صص ۱۲۲-۱۰۵.
۱۲. شیخی، حجت. پریزادی، طاهر و ورمزیار، بیژن. ۱۳۹۲. بررسی و ارزیابی عملکرد دهیاران در روند مدیریت و توسعه روستایی (مطالعه موردی: شهرستان همدان). برنامه‌ریزی فضایی (جغرافیا)، سال سوم، شماره سوم، صص ۱۷-۳۲.
۱۳. علیخان گرگانی، روح‌اله. ۱۳۹۲. مطالعات یکپارچگی نظام مدیریت شهری تهران (مطالعه موردی: مأموریت خدمات شهری). مدیریت توسعه و تحول، شماره ۱۳، صص: ۲۹-۳۷.
۱۴. فال‌سلیمان، محمود. صادقی، حجت‌اله. مرادی، محمود و کاووسی، غلامرضا. ۱۳۹۱. بررسی و ارزیابی عملکرد دهیاران در فرآیند مدیریت و توسعه روستایی (مطالعه موردی: بخش مرکزی شهرستان بیرجند). پژوهش و برنامه‌ریزی روستایی، شماره اول، صص ۷۳-۹۵.
۱۵. موحد، علی. قاسمی‌کفرودی، سجاد. کمان رودی، موسی و ساسان‌پور، فرزانه. ۱۳۹۳. بررسی توسعه محله‌های شهری با تأکید بر الگوی حکمروایی خوب شهری (منطقه ۱۹ شهرداری تهران). برنامه ریزی و آمایش فضا، دوره ۱۹، شماره ۱، صص ۱۴۷-۱۷۹.
۱۶. محمدی حمیدی. سمیه و سبحانی، نوبخت. ۱۳۹۷. ارزیابی شاخص‌های توسعه پایدار در منطقه خاورمیانه با تأکید بر کشور ایران. آمایش جغرافیایی فضا، سال هشتم، شماره ۲۸، صص ۹۹-۱۱۴.
17. Assche, Kristof. Van. Duineveld,

36. Hall, Kate .2010. The roles, practices and capacities of rural municipalities and communities engage in community development planning, A Thesis presented to the faculty of graduate studies, Master of Science, University of Guelph.
37. Honadle, George.H. Hannah, John. P. 1982. Management performance for rural development: packaged training or capacity building, *Public Administration & development*, 2 (4): 295-307.
38. Isaac, T.M. Thomas. And Harilal, K.N. 1997. Planning for empowerment: People's campaign for decentralised planning in Kerala. *Economic and Political Weekly*, 32(1/2): 53-58.
39. Jin Eom, Seok .2011. Synergy between state and rural society for development: An Analysis of the Governance system of the rural Saemaul Undong in Korea, *the Institute of Korean Studies*, 42 (4): 279-316.
40. Knight, David. W and Cottrell, Stuart. P. 2016. Evaluating tourism-linked empowerment in Cuzco Peru, *Tourism Research*, 56: 32-47.
41. Khalifa, Marwa.A. Connelly, Stephen .2009. Monitoring and guiding development in rural Egypt: local sustainable development indicators and local Human Development Indices, *Environment, Development and Sustainability*, 11 (6): 1162-1175.
42. Kam N.G., Mee. 2008. From Government to Governance? Politics of Planning in the First Decade of the Hong Kong Special Administrative Region, *Planning Theory & Practice*, 9(2): 165-185.
43. Kazana, Vassiliki. Kazaklis, Angelos.2009. Exploring quality of life concerns in the context of sustainable rural development at the local level: a Greek case study, *Reg Environ Change*, 9: 209-219.
44. Khadka, Chiranjeewee & Vacik, Harald .2012. Comparing a top-down and bottom-up approach in the identification of criteria and indicators for sustainable Research with Reference to Indonesia, *Third world Planning Review*, 20 (1): 56-73.
27. Dhungel, Yadav. N. Tips, Walter. E.J. 1987. Rural development management in Nepal, Part 1: Coordination in the Rasuwa-Nuwakot Integrated Rural development Programme, *Public Administration & development*, 7(1): 43-58.
28. Elmenofi, Gehan A.G. El Bilali, Hamid. Berjan, Sinisa .2014. Governance of rural development in Egypt, *Agricultural Science*, 59 (2): 285-296.
29. Fernandez, Sergio & Moldogaziev, Time.2015. Employee empowerment and job satisfaction in the US federal bureaucracy: A self-determination theory perspective. *The American review of public administration*, 45 (4): 375-401.
30. FAO .2005. Sustainable Agriculture and Rural Development (SARD) and Good Agricultural Practices (GAPS). Paper for 19th Session of Committee on Agriculture, www.fao.org.
31. Friedmann, John. 2004. Hong Kong, Vancouver and Beyond: Strategic Spatial Planning and the Longer Range, *Planning Theory and Practice*, 5 (1): 49-67.
32. Gielen, Demetrio. Munoz and Tasa-Kok, Tuna. 2010. Flexibility in Planning and the Consequences for Public-value Capturing in UK, Spain and the Netherlands, *European Planning Studies*, 18(7): 1097-1131.
33. Giampiccoli, Andrea and Mtapuri, Oliver. 2012. Community-based tourism: An Exploration of concept from a political perspective, *tourism review international*, 16(1): 29-43.
34. Gsanger, Hans .2005. The Future of rural development, Published in association with the German Development Institute, Berlin.
35. Healey, Patsy .2000. Planning theory and urban and regional dynamics: a comment on Yiftachel and Huxley. *Urban and Regional Research*, 24 (4): 917-921.

54. OECD .2001. The DAC guidelines, strategies for sustainable development, www.oecd.org.
55. Poudel, Surya. Nyaupane, Gyan P. Budruk, Megha. 2016. Stakeholders' Perspectives of Sustainable Tourism Development: A New Approach to Measuring Outcomes, *Journal of Travel Research*, 55 (4): 465-480.
56. Ríos, Roxana. Olmedo, Caton. Fernández, Luis. 2007. Empowered women from rural areas of Bolivia promote community development, *Promotion & Education*, 14(2): 83-94.
57. Rist, Stephan. Chidambaranathan, Mani. Escobar, Cesar. Wiesmann, Urs. Zimmermann, Anne. 2007. Moving from sustainable management to sustainable governance of natural resources: the role of social learning processes in rural India, Bolivia and Mali, *rural studies*, 23(1): 23-37.
58. Ristic, Lela .2013. Strategic management of sustainable rural development in the Republic of Serbia, *Economic Horizons*, 15(3): 233-248.
59. Ragasa, Catherine. Badibanga, Thaddee. Ulimwengu, John. 2016. Effectiveness and challenges of participatory governance: the case of agricultural and rural management councils in the Western Democratic Republic of the Congo, *Food Sec*, 8(4): 827-854.
60. Rossberger, Robert, J. Krause, Diana, E. 2014. Participative and Team-Oriented Leadership Styles, Countries' Education Level, and National Innovation, *Cross-Cultural Research*, 49(1): 20-56.
61. Reesor, Leah. 2010. Community-Based organizations and Local Governance in Rural Haiti, York University, Toronto, Ontario.
62. Sietchiping, Remy. Kago, Jackson. Zhang, Xing. Quan, RafTuts. Clarissa Augustinus .2015. Role of Urban-Rural Linkages in Promoting Sustainable Urbanization, *Environment and urbanization Asia*, 5(2): 219-234.
63. Servaes, Jan. Polk, Emily. Shi, Song. Reilly, Danielle, Yakupitijage, Thanu. community forest management in Nepal, *Forestry*, 85(1): 145-158.
45. Kumar, Dab Jayanta .2013. Establishing Good Governance in Local Self-Government Administration in Rural India: Portraying the Priorities, *Asian Journal of Research in Social Sciences and Humanities*, 3 (10): 29-35.
46. Kumanini, Nana. Gyamfi. 1993. Development problems in rural Ghana: the case of Wamfie, Walden University. 143p.
47. Khalil, Samihah. Abdulwaheed Adelabu, Salihu. 2012. Fiscal planning and local government administration in Nigeria: The quest for sustainable rural development, *African Journal of Business Management*, 6(9): 3482-3489.
48. Li, Yuan.Hua, Chen. Pei.Yuan, Lo. Wei.Hsuan, Tung. Ching.Pin .2015. Integrated water resources system dynamics modeling and indicators for sustainable rural community, *Paddy Water Environ*, 13: 29-41.
49. Lockett, Sidney. Ngubane, Steven. Bhekathina, Memela .2001. Designing a Management System for a Rural Community Development Organization Using a Systemic Action Research Process, *Systemic Practice and Action Research*, 14(4): 517-542.
50. Michalek, Jerzy and Zarnekow, Nana. 2012. Application of the Rural Development Index to Analysis of Rural Regions in Poland and Slovakia, *Social Indicators Research*, 105: 1-37.
51. Monkman, Karen. Miles, Rebecca. Easton, Peter. 2007. The transformatory potential of village empowerment program: The Tostan replication in Mali, *Womens studies international forum*, 30(6): 451-464.
52. Mackinnon, Daniel F. 2002. Rural governance and local involvement: assessing state community relations in the Scottish Highlands, *rural studies*, 18(3): 307-324.
53. McGill, Ronald .2001. Urban management in developing countries, *cities*, 15(6): 463-471.

70. Waas, Tom. Hugé, Jean. Block, Thomas. Wright, Tarah. Benitez-Capistros. Francisco, Verbruggen, Aviel .2014. Sustainability assessment and indicators: Tools in a decision-making strategy for sustainable development. *Sustainability*, 6(9):5512-5534.
71. Waligo, Victoria. M, Clarke, Jackie & Hawkins, Rebecca .2013. Implementing sustainable tourism: A multistakeholder involvement management framework, *Tourism management*, 36: 342-353.
72. Wellbrock, Wiebke. Roep, Dirk. Mahon, Marie. Kairyte, Emilija. Nienaber, Birte. Dolores, Dominguez, Garcia Maria. Kriszan, Michael. Farrell, Maura .2013. Arranging public support to unfold collaborative modes of governance in rural areas, *rural studies*, 32: 420-429.
73. Zasada, Ingo. Hafner, Kati. Schaller, Lena. Zanten, Boris. T. Van. Lefebvre, Marianne. Malak-Rawlikowska, Agata. Nikolov, Dimitre. Rodriguez-Entrena, Macario. Manrique, Rosa. Ungaro, Fabrizio. Zavalloni, Matteo. Delattre, Laurence. Piorr, Annette. Kantelhardt, Jochen. Verburg, Peter, H. and Viaggi, Davide. 2017. A conceptual model to integrate the regional context in landscape policy, management and contribution to rural development: Literature review and European case study evidence, *Geoforum*, 82: 1-12.
2012. Towards a framework of sustainability indicators for 'communication for development and social change' projects, the *International Communication Gazette*, 74(2): 99-123.
64. Scerri, Andy and James Paul. 2009. Communities of citizens and 'indicators' of sustainability, *Community Development*, 45(2): 219-236.
65. Shucksmith, Mark .2010. Disintegrated Rural Development? Neo-endogenous Rural Development, Planning and Place-Shaping in Diffused Power Contexts, *Socialia Ruralis*, 50(1): 1-14.
66. Simard, Myriam. Guimond, Laurie. Ve'zina, Julie .2017. Neo-rural populations and their relations with local decision makers in rural Quebec: collaboration or conflict, *GeoJournal*, 83: 613-629.
67. UN.2001. Guidance in preparing national sustainable development strategies, Revised Draft, New York. www.UN.org
68. Vikas, Choudhary. 2002. Rural Development: Principles, Policies, and Management, the *Journal of Asian Studies*, 61(1): 317-328.
69. World Bank .2002. Expanding the Measure of Wealth: Indicators of Environmentally Sustainable Development, *Environmentally Sustainable Development Studies and Monographs*, Washington, D.C. No.17. www.worldBank.org.